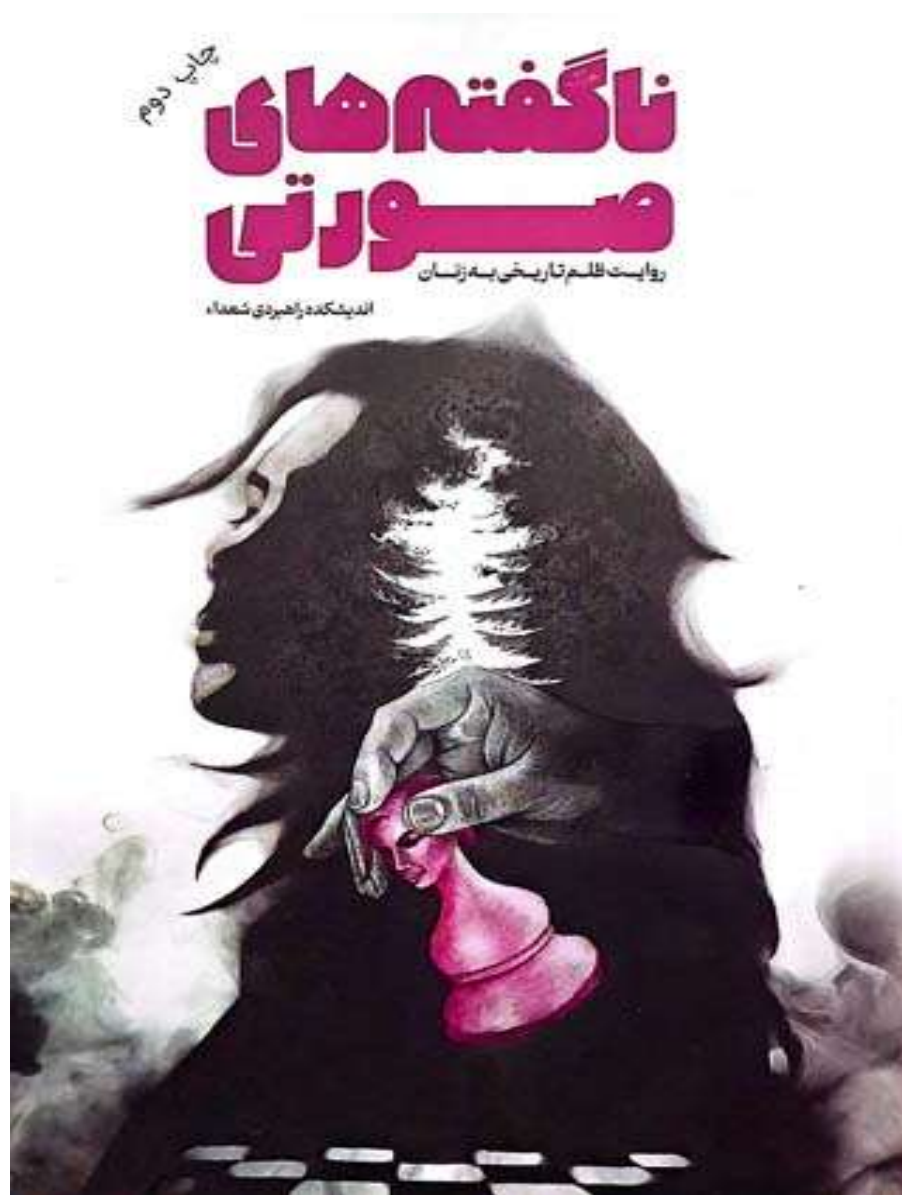


بسم الله الرحمن الرحيم

تلخیص کتاب:



مریم کامکاری - دانشگاه علوم پزشکی شیراز - بهار ۱۴۰۳

خلاصه فصول:

فصل اول: ظلم به زنان در طول تاریخ

ظلم به زن در دوران باستان
ظلم به زن در قرون وسطی
ظلم به زن در عصر روشنگری و پس از آن

فصل دوم: جریان شناسی سوءاستفاده ابزاری از مسائل زنان از انقلاب صنعتی تا انتهای قرن بیست

انقلاب صنعتی

تولید انبوه و اشتغال زنان
مصرف انبوه، ضرورت تضمین سود سرمایه داران
شرکت دخانیات و تبلیغات
گذر از احساس نیاز و رسیدن به میل در مصرف
استفاده از جذابیت جنسی در رونق بخشیدن به تجارت
مرگ دموکراسی

استفاده از زنان برای توجیه حضور استعماری

(در کشورهای هند، فیلیپین، مصر قدیم، الجزایر، ژاپن)
نقش افراد موثر در مسئله کشف حجاب
نقش حکومت در روی گردانی از حجاب
افزایش تعداد دانشجویان همراه با افزایش مشکلات اقتصادی
گرایش دختران جوان به حجاب ارزان قیمت
آرامش درونی علت گسترش حجاب
پیشروی در آزار و اذیت جنسی زنان

جنگ های جهانی

جبران نیروی کار در جنگ سخت با استفاده از زنان
تغییر راهبرد برای بازگشت زنان به خانه
مدیریت روانکاوای توده ها پس از تجربه جنگ

جنگ سرد

انقلاب جنسی

- ۱- ایجاد انحراف در جنبش های زنان
- ۲- سقط جنین
- ۳- همجنس گرایی
- ۴- بازوهای سازمان سیا
- ۵- کنگره آزادی فرهنگی
- ۶- سرویس تحقیقات مستقل
- ۷- رهبر جنبش فمینیسم، عامل CIA

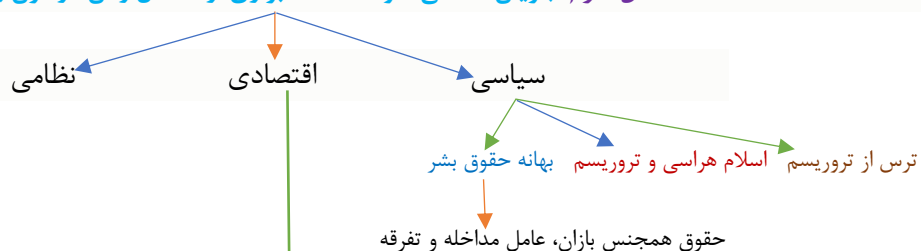
برخی از پروژه های فرهنگی CIA در راستای انقلاب جنسی:

پلی بوی - موسیقی جاز - موسیقی راک - نوزم ها - پرووها - جنبش دوله مینا - هیپی ها (CIA پشت پرده هیپی ها)

جهان تک قطبی

- استفاده آمریکا در طی جنگ سرد، در جلب حمایت مردم دنیا از اهرم های **ترس از کمونیسم** و **جاذبه فرهنگ آمریکایی**. هر کدام از این عوامل از نظر روانی و ذهنی بر روی بخشی از مدرم دنیا موثر بود.
- اما پس از فروپاشی شوروی که آمریکا خود را تنها ابرقدرت جهان می دید و به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه بود، دیگر این دو عنصر کارایی نداشت و از روش های دیگر استفاده کرد، از جمله ادعای تجاوز گسترده به زنان توسط نیروهای حاکمیتی هر کشور.
- این خط خبری که افکار عمومی حساسیت زیادی روی آن دارد، به خوبی به ایجاد حس نفرت و آشوب در برخی کشورها از جمله یوگوسلاوی و پاناما انجامید.

فصل سوم: جریان شناسی سوءاستفاده ابزاری از مسائل زنان در قرن بیست و یک



اولین گام بهره کشی اقتصادی جهان غرب از زنان، با انقلاب صنعتی کلید خورد. از آن پس زنان تبدیل به نیروی کار بسیار ارزشمندی برای سرمایه داری شدند. از سال ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۷۰ ایالات متحده به سه دلیل در سرایشی از دست دادن مزیت رقابتی خود قرار گرفت و قدرت این کشور به چالش کشیده شد:

- ۱- بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای اروپایی و ژاپن
 - ۲- چالش جدی ناسیونالیسم کشورهای در حال توسعه
 - ۳- به طول انجامیدن جنگ ویتنام
- دولت آمریکا و شرکت های آمریکایی مجموعه ای از استراتژی ها را از قبیل انتقال بخشی از مراحل تولید به کشورهای جنوبی به دلیل ارزانی نیروی کار () و ایجاد مناطق تجارت آزاد در پاسخ به این وضعیت، بکار گرفتند:
- ۱- انتقال بخشی از مراحل تولید به جنوب، این اقدامات در بخش صنایع نساجی و الکترونیک کشورهای نظیر چین، تایوان، مالزی، اندونزی، مکزیک و آمریکای جنوبی موفق بود.
 - ۲- افزایش اقتصاد خدماتی، اقتصاد خدماتی در حوزه هایی نظیر حمل و نقل و خدمات عمومی، تجارت و خرده فروشی، امور مالی، بیمه و املاک و مستغلات رشد زیادی یافت. همزمان با رشد این بخش، شاغل شدن زنان نیز رشد شدیدی یافت و ۶۰ درصد این شغل ها به زنان اختصاص یافت.

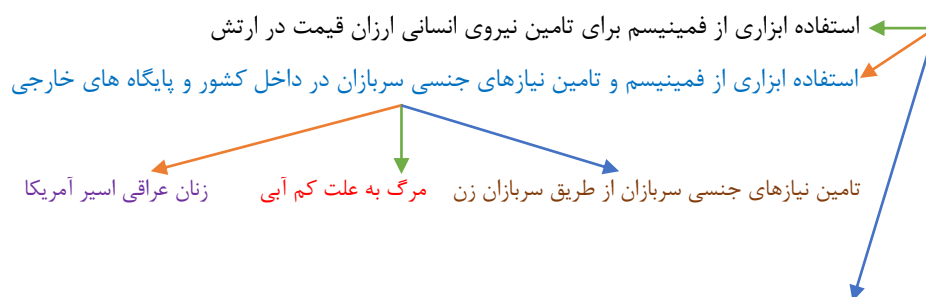
اقتصادی

زنان به مثابه نیروی کار
نقش زنان در تولید صادراتی
تبدیل خدمات مادرانه به فرصت اقتصادی
صنعت سکس

از سال ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۷۰ ایالات متحده به سه دلیل در سرایشی از دست دادن مزیت رقابتی خود قرار گرفت و قدرت این کشور به سه دلیل به چالش کشیده شد:

- ۱- بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای اروپایی و ژاپن
- ۲- چالش جدی ناسیونالیسم کشورهای در حال توسعه
- ۳- به طول انجامیدن جنگ ویتنام

نظامی



فعال ضد جنگ، نماد تنفر معرفی می شود، مانند جین فاندا، بازیگر زن و فعال ضد جنگ آمریکایی که فعالیت های زیادی را علیه حضور نظامیان آمریکا در کشور ویتنام انجام داد. در آکادمی نیروی دریایی ارتش ایالات متحده آمریکا، مراسم شبانه ای دارند که دانشجویان سال اول نیروی دریایی در آن می گویند: "شب بخیر جین فاندا" و تمام افراد آنجا جواب می دهند: "شب بخیر هرزه". این موضوع به خوبی تحقیر جایگاه زنان ضد جنگ را در بین نظامیان و فعالین جنگ آمریکایی نشان می دهد. استفاده از فمینیسم تا زمانی برای آمریکا ارزشمند است که در راستای پیشبرد اهداف آنان در حوزه های مختلف از جمله مسائل نظامی باشد

فصل چهارم: پیامدهای آزادی زنان به سبک غربی

این فصل نیز به مسئله پیامدهای ترویج آزادی جنسی و آزادی زنان به سبک آمریکایی در جامعه ایالات متحده و دیگر کشورهای هدف، که به جهت تامین منافع استعماری این کشور انجام شده، پرداخته است.

پیامدها شامل **فروپاشی نهاد خانواده**

کاهش ازدواج های رسمی

افزایش نرخ طلاق

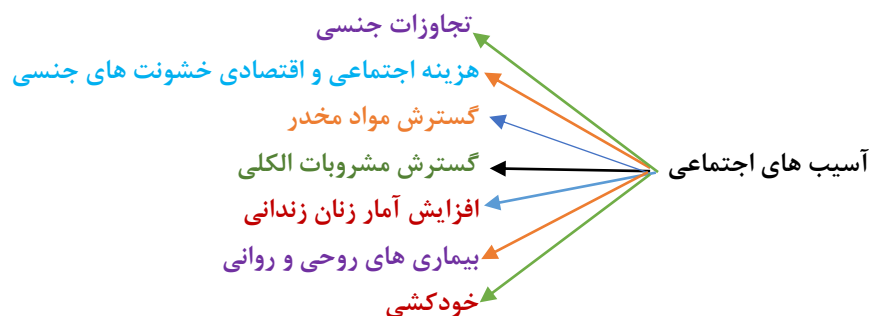
افزایش هم خوابگی

خشونت خانگی علیه زنان

کاهش و پیری جمعیت

فرزندان نامشروع

همجنس گرایی



مسئله زنان در طول تاریخ همواره یکی از بحث‌های مهم و چالشی در تمام کشورهای جهان به‌ویژه ایران بوده و تحقیقات زیادی درباره این موضوع صورت گرفته است. یکی از ابعادی که در مطالعات و پژوهش‌ها از آن غفلت شده و باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، بحث ظلم به زنان و همچنین منطق استعمارگران در استفاده ابزاری از زنان است.

می‌دانیم که زنان تاریخ غم‌انگیزی داشته‌اند و نگاه ابزاری و تحقیرآمیز به آن‌ها همواره وجود داشته و این مسئله محدود به زمان و مکان خاصی نبوده است. در دوران معاصر نیز علی‌رغم ادعای روشنفکران درباره عملکرد درخشان در حمایت از زنان، ظلم به زنان به شیوه‌ای نوین همچنان تداوم یافته و از بین نرفته است. کتاب ناگفته‌های صورتی شیوه‌ها و روش‌های استعمار غرب برای دستیابی به منافع خود از طریق سوءاستفاده از مسئله زن را تبیین می‌کند.

بخش‌هایی از کتاب ناگفته‌های صورتی به بیان پیامدهای دوقطبی شدن جامعه در مسئله حجاب در کشورهایی مانند مصر و سودان اختصاص دارد. مصداق‌هایی از این دست نکات ارزشمندی را در اختیار افراد جامعه، به‌خصوص قانون‌گذاران حوزه حجاب برای پیشگیری از نتایج زیان‌بار اقدامات اشتباه می‌گذارد.

این کتاب در ۴ فصل تنظیم شده است:

فصل اول: ظلم به زنان در طول تاریخ: این فصل به نگاه مادی و ابزاری نسبت به زنان و برخورد تحقیرآمیز جوامع مختلف نسبت به مسئله زن تا پیش از انقلاب صنعتی پرداخته و دیدگاه‌های برخی از سرآمدان تمدن‌های مختلف را عنوان نموده است.

فصل دوم: جریان‌شناسی سوءاستفاده ابزاری از مسائل زنان از انقلاب صنعتی تا انتهای قرن بیست: این فصل به مسائل پس از انقلاب صنعتی و نیاز مبرم سرمایه داری به نیروی کار بیشتر و توجه غرب به نیروی انسانی زن به عنوان نیروی منعطف و ارزان و اینکه زنان مورد استفاده ابزاری قرار گرفتند و زنان فمینیست که مورد تحقیر و سرکوب بودند، اکنون با هدایت سرمایه داری به نیروی کار تبدیل شده‌اند، پرداخته است.

فصل سوم: جریان‌شناسی سوءاستفاده ابزاری از مسائل زنان در قرن بیست و یک: جریان‌شناسی سوءاستفاده از مسائل زنان در قرن بیست و یک را روایت می‌کند و مصادیق متعددی از استفاده‌های ابزاری از مسئله آزادی زنان در کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل چهارم: پیامدهای آزادی زنان به سبک غربی: این فصل نیز به مسئله پیامدهای ترویج آزادی جنسی و آزادی زنان به سبک آمریکایی در جامعه ایالات متحده و دیگر کشورهای هدف، که به جهت تامین منافع استعماری این کشور انجام شده، پرداخته است.

در ذیل به تلخیص این کتاب ارزشمند می‌پردازیم:

فصل اول

ظلم به زنان در طول تاریخ

ظلم به زن در دوران باستان

روم باستان:

✚ تمدن روم به شدت جنسیت گرا بود و زنان را مورد بی مهری قرار می داد.

✚ در جامعه اولیه روم، زن دارایی شوهر تلقی می شد و تحت کنترل او بود.

✚ اگر زنی شوهردار با مردی غیر از شوهرش در رختخواب بود، زنا محسوب می شد، اما اگر مرد همین کار را می کرد بی گناه بود. مرد می توانست همسرش را به خاطر خطاهایی که توسط او انجام شده و باعث خدشه دار شدن آبروی او شده او را کتک بزند، طلاق دهد یا حتی به قتل برساند.

یونان باستان:

✓ در قوانین آتن باستان، زنان حق شرکت در امور قضایی و اجتماعات را نداشتند.

✓ معتقد بودند که مردان از زنان کامل تر هستند. زیرا مردان گرم و زنان سرد هستند.

✓ ارسطو معتقد است: زنان بی نظمی و شر می آورند و بی فایده هستند و به همین دلیل جدا نگه داشتن آنان را از بقیه افراد جامعه بهترین ایده است.

ایران باستان:

- در ایران باستان، زن بدون اجازه شوهر حق تصرف در اموال خودش را نداشت.
- در دوره ساسانیان ازدواج ها از اختیارات و حقوق ثابت شده مردان بود و تعدد همسر با توجه به شرایط مالی رایج بود.
- در زمان ساسانی قرض دادن زن خود به مردی دیگر (حتی بدون اجازه زن) یعنی ازدواج استقراضی رایج بود. فرزندان بوجود آمده از چنین ازدواجی گاه به فروش می رفتند و این منبع درآمدی برای پدر بود.

مصر باستان:

❖ زنان مصر برخلاف دیگر جوامع می توانستند دارایی داشته باشند و در دادگاه از نظر قانونی با مردان برابر بودند.

البته زنان نمی توانستند پست ها مهمی در دولت داشته باشند.

❖ بیشتر زنان مصر به طبقه دهقانان تعلق داشته و به کار کشاورزی می پرداختند.

یهودیت و مسیحیت تحریف شده:

✓ در این فرهنگ، زن انسان طبقه دوم به شمار می رفت و هیچ حقی برای زنان قائل نبودند.

در بیان تورات، مرد به صورت ذات حق آفریده شده است.

✓ یهودی، معتقد است حضرت حوا یک وسوسه گر و دارای شخصیتی بی نهایت منفی است و همه زنان نیز مانند او پست و گناهکارند.

✓ بعضی شاگردان حضرت عیسی، نسبت به زنان نظر مساعدی نداشتند.

انجیل کاتولیک: زایش دختر یک خسارت است. دختر تو نافرمان است؟ به شدت مراقب او باش که باعث نشود تو سبب خنده دشمنانت واقع شوی و در معرض شایعات مردم قرار گیری و آبروی خود را در میان مردم بریزی.

ظلم به زن در قرون وسطی

انگلستان:

در قانون عمومی انگلستان به مرد این حق را می داد که همسرش را به خاطر حفظ نظم خانوادگی کتک بزند. برای تنبیه زن یک صندلی چوبی یا آهنی داشتند که مجرم به آن بسته می شد. این صندلی به تیر چوبی بلندی متصل بود که معمولاً در کنار استخر یا رودخانه قرار داشت و در آب فرو می رفت. سقوط های مکرر نیز انجام می شد و قربانی در اثر شوک یا غرق شدگی از دنیا می رفت.

فرانسه:

در فرانسه کنفرانس با این موضوع که آیا زن انسان است یا نه؟ برگزار شد و پس از بحث و بررسی های زیاد به این نتیجه رسیدند ه زن انسان است، اما انسان حقیری که فقط برای خدمت به مردان خلق شده است.

آلمان:

زنان در صورتی می توانستند در جلسات شهر یا روستا شرکت کنند که مجرد یا بیوه باشند. نجیب زادگی نیز از طرف پدر به فرزند ارث می رسید. یعنی یک رعیت، رعیت بودن خود را به فرزندانش منتقل می کرد.

ظلم به زن در عصر روشنگری و پس از آن

دیدگاه روسو: زنان هیچ هنری را دوست ندارند و قدردانی نمی کنند و هیچ نبوغی ندارند.

دیدگاه ناپلئون: ما با زنان خیلی خوب رفتار می کنیم، اما همه چیز را خراب کرده ایم. ما با رساندن آنها به سطح خود، کار غلطی انجام داده ایم. در واقع طبیعت، زن را برده ما کرده است. زن به مرد داده می شود تا بچه دار شود. در نتیجه زن جزو مالکیت مرد است، همچنان که درخت میوه مال باغبان است.

دیدگاه شوپنهاور: زنان دقیقاً مناسب هستند تا پرستار و معلم کودکی ما باشند، زیرا خودشان خام، احمق و کوتاه بین اند. در یک کلام، بچه های بزرگی هستند که تمام عمرشان همین گونه اند. به طور مناسب تر زنان را باید جنس غیرزیبایی نامید.

دیدگاه نیچه: به دیدن زنهای می روید شلاق را فراموش نکنید.

فصل دوم

جریان شناسی سوء استفاده ابزاری از مسائل زنان از انقلاب صنعتی تا انتهای قرن بیستم

انقلاب صنعتی

۱- تولید انبوه و اشتغال زنان:

تا کمتر از دو قرن پیش، زن غربی از حقوق ابتدایی انسانی خود محروم بود و باید در منزل همسر خود مانند یک نیروی کار مجانی کار می کرد و مانند یک بره خوراک او تامین می شد. در ابتدای قرن بیست، کشورهای غربی برای اولین بار حق مالکیت و استقلال اقتصادی زنان را به رسمیت شناختند. سرمایه داران مرد برای توجیه استثمار زنان به عنوان کارگر کارخانه ها، از ادبیات حقوق زنان استفاده می کردند. جان نیل، اولین سخنران حقوق زنان در آمریکا، خواستار فرصت های اقتصادی برای زنان شد و گفت: امیدواریم روزی را بینیم که زنان ما در تمام سنین بتوانند شغل داشته باشند، بدون این که مجبور باشند برای نان ازدواج کنند. این لفاظی ها، واقعیت های خشن کار در کارخانه را برای زنان پوشانده بود. زنان اغلب نصف یا کمتر از مردان دستمزد می گرفتند و توان اظهار نظر در مورد شرایط کاری را نداشتند. در این شرایط برخی زنان با سازماندهی اعتصابات، اعتراضات و طومارها در برابر این استثمار مقاومت کردند و اولین کنوانسیون حقوق زنان در سنکافالز نیویورک، ایجاد شد. این کنوانسیون جایی بود که زنان برای احقاق حقوق خود دور هم جمع شدند و مطالبات خود را مطرح می کردند.

۲- مصرف انبوه، ضرورت تضمین سود سرمایه داران:

برنایز روان شناس آمریکایی به این مسئله اندیشید که باید از طریق پروپاگاندا، توده های مردم را به خرید و مصرف ترغیب و با توجه به تحریک ناخودآگاه مردم به خرید، تولید را بالا برد. بنابراین تداوم تولید انبوه توسط شرکت ها، وابسته به مصرف انبوه، توسط توده های مردم بود.

۳- شرکت دخانیات:

برنایز طبقات عمومی را آزمایش کرد و زنان را ترغیب به سیگار کشیدن کرد. اولین مشتری او "جرج هیل" رئیس شرکت دخانیات آمریکا بود که از برنایز خواست این تابو را رواج دهد. او گفت که سیگار کشیدن برای زنان را باید به عملی برای به چالش کشیدن قدرت مردان نشان دهیم. برنایز از پیاده روی هزاران نفر در روز "عید پاک" شروع و یک نمایش ساختگی را طراحی کرد و گروهی از زنان و دختران طبقه ثروتمند را که در حال سیگار کشیدن بودند را به پیاده روی دعوت و از خبرنگاران خواست که فیلم گرفته و منتشر کنند. با این کار کشیدن سیگار برای زنان را مشروع و زنان از آن بعنوان نماد قدرت، مانند مردان از آن استفاده می کردند.

۴- گذر از احساس نیاز و رسیدن به میل در مصرف:

برنایز میل به مصرف کالای جدید را در مردم آمریکا بالا برد و به مردم یاد داد که حتی زمانی که نیاز به کالای جدید ندارند و کالای قبلی همچنان قابل استفاده است، آن کالا را خریداری کنند. به همین خاطر به ساخت تکنیک های اقناع مخاطب برای مصرف انبوه پرداخت. او بعد از استخدام در مجله "زنان جدید" پزشکان مختلف را استخدام کرد تا به مردم بگویند کالاها برای سلامتی شما خوب هستند. ترویج مصرف گرایی باعث انفجار بازار سهام نیز شد به طوریکه مردم از بانکها وام گرفته و به خرید و فروش سهام در بازار بورس می پرداختند.

۵- استفاده از جذابیت جنسی در رونق بخشیدن به تجارت:

صاحبان صنایع و سرمایه داران در عرصه فروش و برای جلب توجه مصرف کنندگان موثرترین ابزارها را سوء استفاده از زنان و بهره کشی جنسیتی از آنها می دانستند. مانند تبلیغات شرکت "تباکو پی رل" که تصویر یک زن برهنه را روی بسته محصول خود استفاده کرد. شرکت دوک و پسران نیز کارت های تبلیغاتی حاوی تصاویر تحریک آمیزی از بازیگران زن را در پاکت های سیگار قرار دادند. شرکت صابون صورت وودبری نیز از تصاویر زنان برای تبلیغات خود استفاده می کرد.

۶- مرگ دموکراسی:

برنایز معتقد بود که اگر امیال و نیروهای درونی بشر را مدیریت کنیم، می توانیم تصمیم گیری های فردی و یا گروهی جوامع را به سمت چیزی که می خواهیم سوق دهیم. این کار یعنی زیر سوال بردن پیش فرض های دموکراسی غربی بود. لذا از روان شناسی برای فهم شیوه عمل ذهن عموم مردم، با هدف فهم چگونگی به کارگیری آن در جهت کنترل اجتماعی، استفاده کرد.

استفاده از زنان برای توجیه حضور استعماری:

در این دوران هر دو قدرت امپریالیستی بریتانیا و آمریکا، با چالش های جدی در فضای بین الملل روبرو بودند:

- تهدیداتی نظیر ظهور کمونیسم و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، تلاش ژاپن برای پیوستن به جرگه ابرقدرت ها، رکود اقتصادی جهانی و تهدید علیه سرمایه داری و...
 - بروز تحولات اجتماعی و جنبش های استقلال طلبی در مستعمرات خود نظیر ظهور جنبش های استقلال طلبی هند و مصر از ۱۹۰۵، استقلال ایرلند و ...
- دو کتاب توسط کاترین مایو نویسنده آمریکایی در این زمان تولید شد:
- جزایر ترس: حقیقت در مورد فیلیپین
 - مادر هند، با هدف توجیه حضور استعماری بریتانیا و ایالات متحده در این دو کشور نوشته و بر مسئولیت مشترکی که آنها در قبال مردم "عقب مانده" شرقی دارند، تاکید کرد.

هند

امپریالیسم غرب برای توجیه حضور استعماری خود در هند از زنان و مسئله آنان به عنوان یک ابزار مناسب استفاده کرد. بزرگترین اثرگذارترین فمینیستی که امپریالیسم بریتانیا در هند را توجیه کرد، مایو با کتاب "مادر هند" بود.

ماری دالی نیز کتاب "زنان/اکولوژی" را بازتولید کرد. پس از کتاب مادر هند در افکار عمومی بریتانیا، زنان هندی آن قدر رقت انگیز، ستم دیده و قربانی جلوه داده شدند که خشم تمام اقشار جامعه بریتانیا، را برانگیخت. سپس استعمارگران به اقدامات مختلفی پرداختند:

- ۱- تحریف تاریخ بلند جنبش های زنان هند: امپریالیسم در هند به تحریف تمام تلاش ها و فعالیت های شگرف سیاسی زنان هندی، از جمله استقلال هند، مبادرت ورزید. در سال ۱۹۲۷ مایو در حالی به تحریف تاریخ فعالیت های سیاسی زنان اقدام نمود که در همان سال "کنفرانس زنان سراسر هند" بزرگترین و تاثیرگذارترین سازمان جنبش زنان هند، تاسیس شد. ده سال قبل از آن نیز انجمن زنان هندی برای گرفتن حق رای تاسیس شده بود.

- ۲- استفاده از پدیده ازدواج کودکان: این بحث در کتاب مایو شدیداً به آن تاکید شده بود. سرانجام در سال ۱۹۲۹ در هند قانونی علیه آن تصویب شد.
- ۳- ساتی، عمل غیررایجی که توسط امپریالیسم رایج جلوه داده شد: آیینی بود که در آن زن بیوه با نشستن بر بالای جسد همسرش خودش را به آتش می کشید.
- ۴- استفاده از شیوه به دنیا آوردن بچه توسط ماماهاى هندی: اینها نظرات پزشکان غربی را قبول نداشتند و استعمار می خواست روش های خودش در آن کشور رایج شود.

فیلیپین

- پس از معاهده پاریس که مجمع الجزایر فیلیپین به دست آمریکا افتاد، آمریکا اقداماتی را طراحی کرد:
- ۱- مردم فیلیپین وحشیان ناتمدن: گام اول به بهانه این که فیلیپینی ها نمی توانند بر کشور خود حکومت کنند، زیرا انسانی هایی بدور از تمدن و عقب مانده هستند و خوی وحشی گری دارند، به خود اجازه داد تا در امورات داخلی این کشور دخالت کند.
 - ۲- سربازان آمریکایی، منجی زنان فیلیپینی: آمریکایی ها می گفتند: زن فیلیپینی دوست نداشتنی ترین زن است. چشمانش بزرگ و نفرت در چشمانش است. اما برای امیال جنسی خود از زنان فیلیپینی استفاده می کردند و زنان فیلیپینی بعنوان تامین کننده نیاز جنسی سربازان آمریکایی درآمد بودند.
 - ۳- استفاده از جذابیت های جنسی فیلیپین در رسانه و گفتمان سیاسی رسمی ایالات متحده: به دروغ زنان فیلیپینی را زشت جلوه می دادند اما در رسانه ها از جذابیت های آنها سوء استفاده می کردند.
 - ۴- اعترافات سیاست مدار مطرح آمریکایی در مورد تجارت برده جنسی: اعتراف کردند که از زنان فیلیپینی بعنوان برده جنسی استفاده کرده اند.
 - ۵- شیوع گسترده بیماری های جنسی نتیجه اقدامات صورت گرفته توسط استعمار آمریکا بود که خودشان نیز به ترس افتادند.

مصر قدیم

- اولین کشور عرب زبانی که تجاوزات استعماری را تجربه کرد، مصر بود.
 - از سال ۱۸۵۲ بریتانیا حضور فزاینده ای در شمال مصر داشت تا مسیر تجارت زمینی به هندوستان را حفظ کند.
 - شرق شناسان بریتانیایی سعی داشتند فضای جامعه را به گونه ای نشان دهند که اسلام، زنان را به واسطه حجاب تحقیر می کند، در حالیکه که مسیحیت جایگاه زنان را بالا می برد.
 - آنها در صدد وارونه جلوه دادن جایگاه زن و مرد بودند. کرومر، یکی از مخالفین سرسخت احقاق حق رای زنان در بریتانیا استدلال کرد: "هر تلاش برای وارونه کردن نقش طبیعی جنسیت ها" برای امپراتوری بریتانیا فاجعه بار خواهد بود.
 - ممنوعیت حجاب در مدارس دخترانه را هم باعث شدند.
- ❖ نقش افراد موثر در مسئله کشف حجاب: از جمله قاسم امین نویسنده مصری بود که در کتاب "رهایی زنان" استدلال کرده بود: "تغییر تدریجی و دقیق وضعیت زنان" اکنون گامی اساسی در پیشرفت جوامع اسلامی است. کنار گذاشتن حجاب زنان، مخالف با مبانی اسلام نیست". این ایده با مخالفت هایی روبرو شد اما به تدریج در کشورهای پیشرفته عربی مقبولیت یافت.

- ❖ نقش حکومت در روی گردانی از حجاب: در دهه ۱۹۵۰ با فراگیری جریان های سیاسی و ایدئولوژیک، حاکمان به جریان سوسیالیسم روی آوردند و جمال عبدالناصر با چنین تفکری به قدرت رسید. دولت به طور فعال، مفهوم برابری زنان با مردان و حق آنها برای کار در آموزش، حقوق و .. را ترویج می کرد. زنان دارای حق رای شدند. مناصب ارشد دولتی نیز شامل آنان شد.

- **افزایش تعداد دانشجویان همراه با افزایش مشکلات اقتصادی:** با افزایش تعداد دانشجویان زن، تامین منابعی همچون مسکن، حمل و نقل، سالن های سخنرانی و .. در شهرها و دانشگاه ها سخت شد. زنان جوان دانشجو که از نظر فرهنگی حضور در محل های نزدیک با مردان را نامناسب می دانستند، اکنون مجبور بودند در سالن های سخنرانی شلوغ حضور پیدا کنند. این موضوع نیز مشکلات اقتصادی را برایشان به دنبال داشت
- **گرایش دختران جوان به حجاب ارزان قیمت:** با توجه به مشکلات اقتصادی در تهیه لباس های غربی، دختران به لباس اسلامی روی آوردند که باعث آسفتگی دولت مصر شد.
- **آرامش درونی علت گسترش حجاب:** زنان مصری جهت رسیدن به آرامش درونی از حجاب استفاده می کردند. زینب رضوان یکی از محققان مصر می گوید: در تحقیق انجام شده در قاهره، ۵۰ درصد زنان محجبه آرامش درونی را علت حجاب می دانستند.
- **پیشروی در آزار و اذیت جنسی زنان:** براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۷ تقریباً دو سوم مردان در مصر، زنان یا دختران را در ملا عام مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده اند.

الجزایر

- زمانی که فرانسه به الجزایر حمله کرد، برای تحمیل دیدگاه های خود به الجزایری ها، سعی کرد هویت آنها را پاک کند و زنان الجزایری ابزار اصلی برای رسیدن به این هدف بودند و حجاب نقش مهمی در این زمینه داشت. از نظر فرانسوی ها حجاب آخرین سنگر مقاومت مسلمانان الجزایر بود.
- فرانتس فانون می گوید: "هر حجابی که افتاد و هر بدنی که از آغوش حجاب سنتی رهایی یافت، این واقعیت را بیان می کند که الجزایر شروع به انکار خود کرده و تجاوز استعمارگر را پذیرفته است."
- اقدامات فرانسه در این زمینه:
- ۱- عکس، ابزار مهم جنگ روانی فرانسوی ها: عکاسان از چهره های عریان و در حال استراحت در حرم سراها و در حال قلیان کشیدن عکس می گرفتند و به این وسیله بی حجابی را ترویج می دادند.
 - ۲- جنگ روانی و پروپاگاندای فرانسوی ها علیه حجاب: مسئولیت این جنگ روانی در مخالفت با حجاب در الجزایر، با اداره ای به نام دفتر پنجم ارتش فرانسه بود که متخصصانی از جنگ روانی در آن حضور داشتند. این مرکز از طریق پوسترها و کمپین های تبلیغاتی سعی کرد زنان را متقاعد کند که روبند و روسری خود را بردارند.
 - ۳- مراسم کشف حجاب گسترده: در این مراسم زنان حجاب های خود را برداشتند و سوزاندند. دفتر پنجم قبل از مراسم، پوسترهای تبلیغاتی زیادی را برای پیوستن به این تظاهرات تدارک دید و یک صحنه متهورانه از حجاب سوزی را ترتیب داد و زنان را به برداشتن حجاب تشویق می کرد.

ژاپن

- آمریکایی ها در صدد بودند که حضور و سلطه ژئوپلتیک خود در شرق آسیا را حفظ و از شکل گیری یک ژاپن قدرتمند جلوگیری کنند. به همین دلیل به روایت سازی های دروغین خود روی آوردند. آنها می خواستند که مناسبات اجتماعی و حقوقی در ژاپن را که به شدت مبتنی بر تقدس نهاد امپراطوری، خانواده و ملیت بود، تغییر دهند. همچنین از ورود شوروی و تفکر کمونیسم نیز به داخل این کشور جلوگیری کنند. ابزار استعمار برای پیشبرد این اهداف، پیگیری گفتمان آزادی زنان، ثبت اعطای حق رای به نام خود و بازنویسی قانون اساسی ژاپن بود.
- روایت آمریکایی ها از ژاپن: روایت یک آمریکای قهرمان که زنان بدبخت ژاپنی را از دست مرد وحشی شرقی و ژاپنی نجات می دهد. آمریکا، ژاپنی ها را جماعتی بی منطق، غیرعلمی، مغرور و متعصب به نژاد و متوقف در دوران فئودالیسم معرفی کرد.

آمریکایی ها برای اقناع افکار عمومی از قالب های مختلف هنری از جمله رمان، فیلم سینمایی و .. استفاده کردند تا زنان را تحت ظلم سبک زندگی سنتی مردسالارانه نشان دهند.

- تاریخچه بلند زنان ژاپن: یکی از آنها **"سازمان ضد الکلی مسیحی زنان"** بود که نقش موثری در جنبش ها و مخالفت با مصرف الکل توسط زنان داشت. سازمان دیگر **"اتحادیه حق رای زنان"** بود که بعدها آمریکا آن را به نام خود ثبت کرد.
- تحمیل قانون اساسی آمریکایی به ژاپن: بازنگری قانون اساسی یک فرایند سیاسی بود که آمریکا از طریق آن سلطه خود را در دوران پس از جنگ در این کشور تثبیت کرد. آمریکایی ها به اسم دموکراسی و آزادی، تصویب یک قانون اساسی تماماً آمریکایی را به دولت وقت ژاپن در ازای بقای نهاد امپراتوری شان، اجبار کردند. زیرا متحدین آمریکا همه خواهان محاکمه امپراتور ژاپن بودند و آمریکا در این بین باج گیری کرد.
- جنایات جنسی آمریکا و متفقین در بدو ورود به ژاپن: سربازان ارتش آمریکا با حضور در خاک ژاپن زنان و دختران را مورد تجاوز قرار دادند. دولت ژاپن نیز فاحشه خانه های نظامی برای ارائه خدمات به نیروهای متفقین در بدو ورود آنها با عنوان **"انجمن تفریح و سرگرمی"** تاسیس کرد. مأموریت اصلی این انجمن حفاظت از **"پاک ماندن نژاد ژاپنی"** و **"کمک به حفظ سیاست ملی"** با حمایت زنان طبقه بالای جامعه بود، زیرا زنان طبقات پایین به عنوان **"بوهاتی یا سپر بلا"** قربانی شدند.
- جا به جایی مرزهای جنایت توسط متفقین: پس از تجاوز به زنان و دختران ژاپنی و شیوع بیماری های مختلف در ارتش آمریکا، متفقین معترض این موضوع شده و ژاپنی ها را مسبب این وضعیت دانستند.

جنگ های جهانی

۱- جبران نیروی کار در جنگ سخت با استفاده از زنان

در طی جنگ جهانی اول و دوم، ایالات متحده تصمیم گرفت تا از زنان برای جبران نیروی کار در نبود مردان جامعه، استفاده کند. بنابراین در زنان احساس برابری ایجاد کرد و کارهای کارگری و مکانیکی هواپیما و ... را که قبل از این به عهده مردان بود را به زنان سپرد. در ارتش نیز زنان جذب شدند. یکی از این گروه های جذب شده، زنان و دختران انگلیسی بودند که به نام **"دختران قناری"** معروف شدند که مسئول ساخت مهمات خمپاره تی ان تی در طول جنگ بودند و رنگ چهره آنها بخاطر ساخت مهمات، به زرد- نارنجی تبدیل شده بود.

۲- تغییر راهبرد برای بازگشت زنان به خانه

با توجه به بازگشت مردان از جنگ و نیاز به شغل، ایالات متحده مجبور شد زنان را تشویق به خانه نشینی کند تا مردان بیکار نباشند. برای این کار ماهنامه خانه داری **"راهنمای همسر خوب"** را منتشر کرد که در آن یادآور شد که زنان باید در خانه باشند، که شوهرانشان که به خانه می آید، شام را آماده کنند، آرایش کنند و خانه را تمیز کنند. یک همسر خوب در خانه است.

۳- مدیریت روانکاو توده ها پس از تجربه جنگ

با توجه به بیماری های روحی و روانی پس از جنگ، رئیس جمهور وقت آمریکا، قانون ملی سلامت روان را تصویب کرد و هدف آن، حل مشکل روانی آمریکایی ها بود. زیرا میلیون ها آمریکایی از تنش و ترس های درونی به سبب جنگ رنج می بردند. این آغاز قدرت گیری روانکاری در آمریکا بود.

جنگ سرد

پس از جنگ جهانی دوم، تنش بین آمریکا و شوروی بخاطر کسب امتیازات بیشتر از سر گرفته شد. ایالات متحده در طول جنگ سرد، از برنامه های مختلفی علیه گسترش نفوذ شوروی و کمونیسم استفاده کرد که تحت عنوان سیاست مهار تعریف می شدند، از جمله:

- **دکترین ترومن:** هدف مهار گسترش ژئوپلیتیک شوروی در طول جنگ سرد بود،
- **طرح مارشال:** که قانون احیای اقتصادی نامیده می شود،
- **دکترین ریگان:** حمایت از شورش ها، جنبش ها و گروهک ها در مناطق مختلف جهان بود،

- **تاسیس و به کارگیری نهادهای مختلف** در راستای مقابله فرهنگی از قبیل "کنگره آزادی فرهنگی" و اجرای برنامه های فرهنگی با بهره گیری از روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان ضد کمونیست در سراسر جهان و حمایت از رویدادهای فرهنگی، مجلات، کنفرانس ها و....

اقدامات شوروی:

- ایجاد کمیونفرم یا دفتر اطلاعات احزاب سیاسی کمونیست که موجب افزایش تسلط آنها در اروپای غربی نیز می شد.

تقابل نظامی و امنیتی

- در این زمینه قدرت نظامی شوروی با ساخت بمب هیدروژنی به رخ بلوک غرب و آمریکا کشیده شد و ترس از جنگ اتمی را در بین مردم رواج داد.
- آمریکا بجای ایجاد آرامش در بین مردم، به افزایش "ترس از کمونیسم" در بین عموم مردم جهان پرداخت و از آن بعنوان حربه خود برای مقابله با شوروی استفاده کرد.
- ترس از کمونیسم یکی از روش های فریب افکار عمومی جهان از جمله در کشورهای گواتمالا و نیکاراگوئه توسط ایالات متحده استفاده شد.

نیکاراگوئه

نیکاراگوئه کشوری در آمریکای مرکزی است. در زمان حاکمیت روسای جمهوری مورد حمایت آمریکا مانند سوموزا در این کشور، زنان وضعیت قابل قبولی نداشتند. از داشتن دارایی، مراقبت های بهداشتی، دریافت حقوق و یا آموزش منع می شدند. با روی کار آمدن ساندینیستا به رهبری دانیل اورتگا توانستند بر دیکتاتوری سوموزا غلبه و بر نیکاراگوئه حاکم شوند. در این دوره بسیاری از مطالبات زنان به آنان اعطا شد و از حقوق اولیه خود برخوردار شدند. در همین راستا آمریکا طبق روال همیشگی خود، برای ضدیت و مقابله با رژیم های غیرسرمایه داری و غیر همسو با خودش، برنامه کودتا و تغییر رژیم را در پیش گرفت.

سوء استفاده از زنان برای کنترل انتخابات و تغییر حاکمیت

ایالات متحده با راه اندازی یک دهه جنگ به وسیله کنتراها علیه نیکاراگوئه و تجهیز گروه های فمینیست غرب گرا، که با حمایت بین المللی ایالات متحده، به دنبال نادیده گرفتن پیشرفت ها در حوزه زنان و به حاشیه راندن مطالبات واقعی آنان، از طریق مطرح کردن حق سقط جنین بودند فرصت را برای ایجاد ناراضی اجتماعی جهت تغییر حزب حاکم فراهم نمود. شد. در نهایت این تلاش ها موجب شکست انتخاباتی ساندینیستا در سال ۱۹۹۰ شد.

کشته سازی رسانه ای، راهکاری تکراری برای براندازی

پس از آن که دولت اورتگا مجموعه ای از اصلاحات را در موسسه های اجتماعی نیکاراگوئه در رابطه با افزایش پرداختی بیمه شدگان و کاهش مزایای مستمری بگیران انجام داد، باعث ایجاد اعتراضاتی در میان اقشار مختلف جامعه گردید و پلیس مجبور به مداخله جدی شد. همین موضوع باعث شد تا سنای ایالات متحده این کشور را تحریم کند. بعدها مشخص شد معترضان از طبقات بالای جامعه بوده اند. این یعنی که مسائل تنها بهانه ای برای شروع اعتراضات بوده و توده مردم چنین اعتراضی را رهبری نمی کردند. همین عدم همراهی عموم جامعه به دلیل اقدامات مناسب اورتگا در حوزه معیشت و اقتصاد باعث شد تا کودتا با شکست همراه شده و آرامش به این کشور بازگردد.

آزادی و دموکراسی آمریکایی، خیال پردازی محض: به تحلیل کوالیک فعال حقوق بشر آمریکایی، ایالات متحده بارها در طول ۱۵۰ سال گذشته از سوء استفاده های یک ابرقدرت علیه یکی از فقیرترین کشورهای قاره آمریکا ارائه داده است.

تقابل فرهنگی

فرهنگ آمریکایی: ایالات متحده در عرصه مقابله فرهنگی با شوروی، از دو رویکرد ایجابی و سلبی بهره گرفت. در مواردی سیاست هایی را برای تعریف و ترویج فرهنگ فردگرایی، مصرف گرایی و آزادی فردی، به عنوان "**فرهنگ آمریکایی**" اتخاذ کرد و از دیگر سو، سیاست هایی را صرفاً برای مخالفت و مقابله با پیشرفت فرهنگ کمونیستی تنظیم نمود. برنامه ها شامل: مبادلات فرهنگی، برنامه های آموزشی، تلاش های تبلیغاتی بودند. ترویج آزادی جنسی در قالب یک دیپلماسی فرهنگی، شامل استفاده از اشکال مختلف رسانه ها از جمله فیلم و نمایش تلویزیونی و مجلات و کتاب ها بود.

انقلاب جنسی

میل جنسی در انسان عاملی است که در صورت عدم تنظیم درست قواعد آن، چالش های اجتماعی زیادی را به وجود می آورد، لذا از ابتدای خلقت بشر، برای آن چهارچوب های اخلاقی در نظر گرفته شده است که تخطی از آن منجر به از بین رفتن ساختارهای عقلانی و سالم جامعه شده و جوامع نیز خود را مقید به رعایت آن می کرده اند. انقلاب جنسی روندی بسیار پرشتاب طی کرد که ورود به آزادی جنسی حقیقتی است که هر بیننده ای را نسبت به ریشه ها و چرایی این تلاش ها مشکوک می کند و این فرایند انقلاب جنسی به صورت هدفمند و برنامه ریزی شده دنبال شده است.

• ایجاد انحراف در جنبش های زنان

یکی از کارکردهای مهم انقلاب جنسی برای ایالات متحده، انحراف جنبش های زنان به نفع سرمایه داری بود. زنان به دنبال حقوق خود مانند حق مالکیت، حق رای، حقوق برابر در حوزه های بهداشت و سلامت و ... بوده و برای آن مبارزه کردند. اما جریان سرمایه داری درصدد انحراف مطالبات زنان برآمد. آزادی جنسی و انقلاب جنسی، موثرترین ابزاری بود که می توانست جنبش فمینیسم و مطالبات زنان جهان را منحرف کند. مطالباتی همچون قانونی شدن سقط جنین و رهایی از چهارچوب های سنتی روابط جنسی، به شعارهای اصلی جنبش فمینیسم در این دوره تبدیل شد.

• سقط جنین: فمینیست ها مدعی بودند که قبل از قانونی شدن سقط جنین، سالانه ده ها هزار زن در نتیجه سقط جنین های غیرقانونی خطرناک جان خود را از دست می دهند و می بایست با قانونی شدن آن و ارائه خدمات بهداشتی به زنان، جلوی مرگ و میر آنها را گرفت. بالاخره در سال ۱۹۷۳ میلادی، سقط جنین آزاد شد.

• همجنس گرایی: در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ همجنس گرایی به عنوان یک انحراف اخلاقی بزرگ در ایالات متحده شناخته می شد و مردم از آن استقبال نمی کردند. اولین تظاهرات حقوق همجنس گرایان در سال ۱۹۶۵ در فیلادلفیا و واشنگتن دی سی برگزار شد. تا اینکه در سال ۱۹۷۳ حقوق همجنس گرایان به رسمیت شناخته شد.

• بازوهای سازمان سیا: وزارت خارجه آمریکا و نهادهای امنیتی آن همچون سیا از این جنبش های فمینیستی حمایت و تامین مالی می کردند:

۱- تامین مالی موسساتی مانند کنگره آزادی فرهنگی، سرویس تحقیقات مستقل و ... و هدایت پروژه ها و فعالیت هایی همچون برگزاری فستیوال ها و جشنواره از طریق سیا و بازوهای اجرایی آن توسط بخش خصوصی که مهمترین آنها "**بنیاد راکفلر**" و "**بنیاد فورد**" بود، انجام می شد.

۲- تامین مالی تحقیقات و حمایت از سلامت جنسی و باروری، جنسیت شناسی توسط بنیاد فورد و تحقیقات در مورد پیشگیری از بارداری، سقط جنین و عقیم سازی در کشورهای مختلف مانند هند، ژاپن و برزیل توسط بنیاد راکفلر انجام می شد.

۳- حمایت از فعالیت های فرهنگی و هنری مانند تولید فیلم ها، کتاب ها، مجلات و ... توسط این دو بنیاد انجام می شد.

۴- تشویق گفتگو و تبادل نظر بین روشنفکران، فعالان و سیاست گذاران در مورد مسائل جنسی نیز توسط این دو بنیاد حمایت می شد.

۵- بنیاد فورد از سازمان ها و ابتکارات مختلفی که از حقوق زنان، بهداشت و آموزش مانند "فدراسیون بین المللی برنامه ریزی شده والدین"، "شورای جمعیت"، "صندوق راه یاب" و "موسسه گاتماچر" حمایت می کرد.

- **کنگره آزادی فرهنگی:** این کنگره با هدف ترویج آزادی جنسی به عنوان یک ارزش برجسته آمریکایی، هم در ایالات متحده و هم در خارج از آن بسیار موثر بود. تامین مالی این نهاد از طریق سیا و پس از افشای این ماجرا از طریق بنیاد فورد انجام می گرفت. این کنگره همچنین مجلات ادبی و سیاسی مختلفی مانند انکونتر را منتشر کرد تا بستری برای گفتمان روشنفکری و به چالش کشیدن ایدئولوژی های کمونیستی فراهم کند. از این کار دو هدف داشت:
 - ۱- اعتبار آمریکا را در افکار عمومی جهان افزایش می داد،
 - ۲- ترویج این هنر به عنوان تبلیغی برای ارزش های آمریکایی مانند فردگرایی و دموکراسی در جنگ سرد عمل می کرد.کنگره همچنین نقش مهمی در تاسیس و حمایت از ایستگاه های رادیویی از جمله رادیو اروپای آزاد یا رادیو آزادی داشت که اخبار و برنامه های فرهنگی را پخش می کرد و هدف آن **مقابله با تبلیغات کمونیستی** در آن مناطق بود.

- **سرویس تحقیقات مستقل:** سازمان سیا به صورت غیرمستقیم این موسسه را ایجاد کرد و هدف آن حضور دانشجویان آمریکایی برای نفوذ در جشنواره های جهانی تحت کنترل شوروی بود تا ایدئولوژی خود را در این جشنواره ها به صورت غیرمستقیم ترویج دهد.

- **رهبر جنبش فمینیسم، عامل CIA:** "گلوریا استاینم" یکی از رهبران فمینیست آمریکایی در جریان موج دوم فمینیست بود که کتاب ها و آثار زیادی را در حوزه زنان منتشر کرد. او مدیر "سرویس تحقیقات مستقل" بود و وظیفه او سازماندهی دانشجویان، دانش پژوهان و نویسندگان آمریکایی برای شرکت در جشنواره های سوسیالیستی جهانی و به انحراف کشاندن این جشنواره ها با ارائه رویکردهای ضد سوسیالیستی از طریق توزیع جزوه ها، کتاب ها و سخنرانی ها بود. تا اینکه استاینم به کمک سازمان سیا و در قالب پروژه "**مرغ مقلد**" به چهره اول جریان فمینیسم تبدیل شد. مرغ مقلد یک عملیات مخفی سیا برای تاثیرگذاری بر رسانه ها از طریق تامین مالی آنها به نفع منافع سیا بود.

برخی از پروژه های فرهنگی CIA در راستای انقلاب جنسی

- ❖ **پلی بوی:** در سال ۱۹۵۳ یک ناشر آمریکایی بنام "هیو هفتر" مجله پلی بوی را با هدف اشاعه محتوای جنسی و پورنوگرافی منتشر کرد. در صفحه جلد نسخه اول مجله از تصویر نیمه برهنه بازیگر مشهوری به نام "مرلین مونرو" استفاده کرد و توانست توجهات زیادی را به سوی خود جلب کند و یک شبه به موفقیت بزرگی دست یافت. پلی بوی در ابتدا یک مجله برای سرگرمی مردان بود و نقش مهمی در انقلاب جنسی داشت. اما بعدها با گسترش حیطه خود از مجله به تمامی فرم های رسانه ای، از جمله شبکه رادیویی، تلویزیونی و اینترنت نفوذ گسترده ای یافت و به یک امپراطوری رسانه ای در زمینه مربوط به مسائل جنسی تبدیل شد.

- ❖ **موسیقی جاز:** موسیقی جاز ابتدا توسط مقامات ایالات متحده آمریکا، به عنوان یک نیروی محرک در جنبش های آزادی زنان در طول دهه ۱۹۲۰ خلق و ابداع شد. اما به مرور به ایجاد شغل برای زنان به عنوان بازار هدف مصرفی در صنعت موسیقی گسترش پیدا کرد. چرا که این موسیقی سلاح مهمی در مقابل شوروی در جنگ سرد نیز بود.

یکی از سیاست های وزارت امور خارجه ایالات متحده اعزام نوازندگان جاز بعنوان **سفیران فرهنگ** در کشورهای در حوزه نفوذ شوروی برای انتقال فرهنگ و ارزش های آمریکایی بود. هدف از این کار بدست آوردن قلب و ذهن مردمی بود که در معرض تبلیغات شوروی قرار داشتند. این تور موسیقی از ایران آغاز شد و در ترکیه، یوگسلاوی، یونان به اوج خود رسید و در طول مسیر در سوریه و متحدان نظامی ایالات متحده مانند پاکستان و لبنان توقف کرد.

موسیقی راک: یکی دیگر از ابزارهای ایالات متحده برای ترویج آزادی جنسی، موسیقی راک بود. جنبش راک علیه کمونیسم یک ژانر و خرده فرهنگ موسیقی بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ در بریتانیا و ایالات متحده به عنوان واکنشی به سیاست های چپ گرایانه و ضد نژادپرستانه "پانک راک" ظهور کرد. گروه های موسیقی راک علیه کمونیسم دیدگاه های ناسیونالیستی، نژادپرستانه، ضد کمونیستی و نئونازی را بیان می کردند.

هلند، موسیقی جاز و جنبش های ضد فرهنگی: آمریکایی ها با استفاده از ابزارهایی مانند جشنواره های جاز آمریکا، فرهنگ های جوانان، جنبش های اجتماعی و ... آزادی جنسی را در میان جوانان و نوجوانان ترویج می دادند. از جمله برگزاری جشنواره جاز در دریای شمال هلند بود که امروزه به یکی از بزرگترین و مشهورترین جشنواره های جاز جهان تبدیل شده است.

نوزم ها: از دهه ۱۹۵۰ به بعد، گرایش فرهنگی به نام نوزم ها در جوانان هلندی پدیدار شد. نوزم ها، هیچ مانیفست سیاسی یا پیام هدف مندی نداشتند. فقط می خواستند خوش بگذرانند، بنشینند، تنبلی کنند و بر موتور سیکلت خود سوار شوند. نوزم ها در انگلستان، آلمان و فرانسه نیز ظهور کردند.

پرووها: نوزم ها به زودی با پرووها جایگزین شدند. آنها گروه جدیدی از جوانان سیاسی شده بودند که انقلاب جنسی را پذیرفتند و تغییرات اجتماعی را ایجاد کردند.

جنبش دوله مینا: دوله مینا یک گروه فعال فمینیست رادیکال چپ هلندی بود که در سال ۱۹۶۹ تاسیس شد. هدف آنها بهبود حقوق زنان از طریق تظاهرات اعتراضی شوخ طبعانه و طنز بود که به انقلاب جنسی در هلند کمک کرد.

هیپی ها: جنبش هیپی ها در ایالات متحده آغاز شد. هیپی ها عمدتاً از نوجوانان سفیدپوست و بزرگسالان بین ۱۵ تا ۲۵ سال تشکیل شده بودند. آنها علیه قوانین مدنی والدین خود شورش کردند و به دنبال آزادی فردی با لباس های رنگارنگ، ریش و موهای بلند و مصرف زیاد مواد مخدر بودند. همچنین آنها به شعار "**عشق کن، نه جنگ**" شهرت داشتند. در نهایت از سال ۱۹۶۸ آمستردام دیگر شهر عشق، رابطه جنسی، مواد مخدر و موسیقی راک بود.

CIA پشت پرده هیپی ها: جنبش هیپی توسط سیا ایجاد شد. هیپی ها نمی دانستند صنعتی موسیقی و سینمای آنها با اطلاعات نظامی و سیا مرتبط است. سیا با استفاده از ال سی دی و سایر روان گردان ها در ایجاد یا تاثیرگذاری بر هیپی ها در دهه ۱۹۶۰ نقش داشته است. برخی از این موارد ذیل برنامه مخفی سیا به نام ام کی اولترا بوده که شامل آزمایش غیرقانونی تکنیک های کنترل ذهن بر روی افراد از جمله غیرنظامیان بود.

جهان تک قطبی

در طی جنگ سرد، آمریکا از دو عنصر مهم "**ترس از کمونیسم**" و جاذبه "**فرهنگ آمریکایی**" به عنوان اهرم هایی در جلب حمایت مردم دنیا استفاده کرد. چرا که هر کدام از این عوامل، از نظر روانی و ذهنی بر روی بخشی از مردم دنیا موثر بود. پس از فروپاشی شوروی که

آمریکا خود را تنها ابرقدرت جهان می دید و به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه بود، دیگر این دو عنصر کارایی نداشت و از روش های دیگر استفاده کرد، از جمله ادعای تجاوز گسترده به زنان توسط نیروهای حاکمیتی هر کشور بود. این خط خبری که افکار عمومی حساسیت زیادی روی آن دارد، به خوبی توانست به ایجاد حس نفرت و آشوب در این کشورها بینجامد. از جمله کشورهای:

یوگسلاوی

این کشور در جنوب شرقی اروپا و دارای یک حاکمیت مستقل سیاسی و اقتصادی از بلوک های شرق و غرب بود. یوگسلاوی بخاطر سیستم اقتصادی خاص خود از جایگاه اقتصادی مطلوبی برخوردار بود و استانداردهای زندگی در وضعیت خوبی قرار داشت. همین مسائل باعث شد تا این کشور مورد سیاست های مداخله جویانه بسیاری از قدرت ها قرار گیرد، زیرا قدرت های جهانی، وجود یک حاکمیت مستقل را نمی پسندند.

جنگ یوگسلاوی، نقطه عطف سلطه آمریکا: پس از فروپاشی شوروی، آمریکا برای فراگیر کردن سلطه خود در سطح جهان، برای مقابله با هر حاکمیت مستقلی که در مقابل او ایستاده بود، وارد عمل شد. جنگ یوگسلاوی را به راه انداخت و این اولین باری بود که یک کشور اروپایی مورد مداخله ایالات متحده، آن هم بدون اجازه شورای امنیت قرار می گرفت.

❖ **تجربه از طریق تحریک قومیت ها:** یوگسلاوی شامل ۶ جمهوری و دمختر بود و پتانسیل بالایی برای تجزیه شدن داشت. غرب با تحریک قومیت های مختلف علیه یکدیگر، در جهت تضعیف و نابودی دولت مرکزی، طرح ریزی و عمل کرد و موفق به شکل گیری مناطقی با حاکمیت های مستقل هم شد.

❖ **عواطف زنان، ابزار جلب حمایت افکار عمومی:** دولت های غربی با خبرسازی، کشته سازی و ساختن داستان های تخیلی مبنی بر تجاوزهای صدهزار نفری علیه زنان، حمایت کشورهای مختلف و به ویژه افکار عمومی داخلی خودشان را برای حمله و مداخله به یوگسلاوی جلب کردند و مقدمه ای برای بمباران این کشور توسط نیروهای نظامی غربی و سپس اشغال و تجزیه آن گردید و به بهانه تجاوز علیه زنان، جنگ را ادامه دادند، تا جایی که صدای اعتراض فمینیست های یوگسلاویایی هم در آمد. فمینیست هایی که از منتقدان دولت وقت بوده و سعی بر التیام بخشیدن به زخم های ناشی از جنگ و زنان مورد تجاوز قرار گرفته را داشتند.

❖ **تاثیر حضور و مداخله بشر دوستانه نیروهای ناتو:** در مقاله منتشر شده توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ، تحت عنوان **"بین لفاظی و واقعیت"** به تاثیر مداخله بشر دوستانه نظامی ناتو بر میزان خشونت جنسی و قاچاق جنسی، پس از جنگ در شهر کوزوو کشور یوگسلاوی پرداخته شده است که این کشور به یک مقصد اصلی برای قاچاق زنان و دختران به صنعت سکس تبدیل شده است. این پدیده، نتیجه مستقیم و از پیامدهای مرتبط با مداخله ناتو است. از سوی دیگر نظامی سازی شهر کوزوو پس از ورود نیروهای نظامی، باعث افزایش تقاضا برای خدمات جنسی شد. همچنین اختلال در جامعه و اقتصاد یوگسلاوی، منجر به افزایش تعداد زنان و دختران آسیب پذیر شد که به دستمزد نیاز داشتند. در نتیجه عرضه نیز برای تامین تقاضا در صنعت جنسی رشد پیدا کرد.

پاناما

جمهوری پاناما کشوری در آمریکای مرکزی است که دو نیم قاره آمریکای شمالی و جنوبی را به یکدیگر متصل می کند. کانال پانا که دو اقیانوس آرام و اطلس را به یکدیگر متصل می کند و به لحاظ بازرگانی و ترابری دریایی اهمیت فراوانی دارد و مهمترین کانال جهان به شمار می آید. همه این موارد اهمیت این کشور را بیش از پیش کرده است.

• **سیا مامور براندازی سوسیالیسم:** جورج بوش در سال ۱۹۸۹ به سیا اجازه داد که ۱۰ میلیون دلار به نیروهای مخالف در پانا برای سرنگونی رئیس جمهور سوسیالیست این کشور اختصاص دهد. سیا تمایلی به دخالت مستقیم در این ماجرا نداشت و به شرکت "رندون" این ماموریت را داد که پشت صحنه را طراحی و از انواع روش های روان شناختی استفاده کند تا "کیلرمو

اندارا" نامزد منتخب سازمان سیا را به جایگاه ریاست جمهوری پاناما برساند و موفق شد. اما رئیس جمهور مستقر (مانوئل نوریگا) که خود را رهبر همه مردم نامیده بود، انتخابات را باطل اعلام کرد.

- **حمله به کشور پاناما با اسم رمز تجاوز جنسی:** آمریکا در حمایت از اندارا، گروهی از محافظان طرفدار رئیس جمهور مستقر با نام مستعار "اراذل دوبرمن" با تخته های چوبی، لوله های فلزی و تفنگ به جمعیت حمله کردند. ظرف چند ساعت، عکس ها به تمام اتاق های خبری جهان رسید و تصویری از خشونت نیروهای نوریگا با عنوان "سیاست به سبک پاناما" روی جلد مجله تایم قرار گرفت و خشن بین المللی را برانگیخت. تا اینکه یک اجماع بین المللی بر علیه جریان حاکم بر پاناما شکل گرفت. بوش سربازان نوریگا و دولت پاناما را به قاچاق مواد مخدر و به خطر انداختن شهروندان ایالات متحده و دموکراسی متهم کرد و اعلام کرد که سربازان نوریگا، به دو سرباز آمریکایی در مرزی این دو کشور تیراندازی کرده اند. بوش با پشتوانه این موضوع، مجوز حمله به پاناما را صادر کرد. این حمله برای ایالات متحده موفقیت آمیز بود و باعث سرنگونی نوریگا و جانشینی اندارا در کشور پاناما در سال ۱۹۹۰ شد.

فصل سوم

جریان شناسی سوء استفاده ابزاری از مسائل زنان در قرن بیست و یک

این فصل از سه بخش سیاسی، نظامی، اقتصادی تشکیل شده که هر قست به طور خلاصه به مصادیق سوء استفاده از مسائل و حقوق زنان در جهت اهداف استعمارگران اشاره کرده است.

در دوران جدید، دو اهرم کارآمد ایالات متحده برای مداخله در کشورها، استفاده از "ترس از تروریسم" و "بهانه حقوق بشر" است.

ترس از تروریسم

ترس از تروریسم همانند ترس از کمونیسم بر روی یکی از نیروهای درونی بشر تمرکز دارد و به خوبی می تواند در جلب نظر برخی از مردم دنیا موفق باشد. ایالات متحده نشان داد که می تواند از تکنیک ترس از تروریسم که با حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ کلید خورد، به خوبی استفاده کند. ترس از بمب هیدروژنی شوروی اکنون با ترس از وقوع حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر از طرف گروه های تروریست جایگزین می شد.

منطقه "غرب آسیا" یکی از مناطق مهم جهان است که ایالات متحده طمع بسیار زیادی برای حضور در آن دارد. زیرا این منطقه مهد تمدن های بزرگ بشری، مهد ادیان بزرگ الهی، مسیر اتصال جاده ابریشم و شمال آسیا به دریاهای جنوب و ذخیر نفت و گاز و سایر معادن ارزشمندی است. با توجه به نیاز روزافزون ایالات متحده به نفت و عدم امکان تامین داخلی آن، منجر به برنامه ریزی این کشور برای دسترسی و تصاحب نفت خاورمیانه، به خصوص از طریق عراق و ایران شد. با توجه به اینکه حمله به ایران برای آمریکا اقدامی بسیار پرهزینه و غیرممکن است، لذا به بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر به عراق حمله کرد.

اسلام هراسی و تروریسم: تلاش طولانی مدت رسانه ای و گفتمانی غرب در اسلام هراسی، موجب ایجاد این ذهنیت در مردم جهان شده است که بین تروریسم و اسلام گرایی هیچ تفاوتی وجود ندارد. همانطور که یکی از اساتید رسانه و مطبوعات دانشگاه روتگرز آمریکا بیان می کند:

- اسلام دینی غیرقابل انعطاف، جزم اندیش و یک شکل است.
- اسلام منحصرأ جنسیت گرا است و زنان مسلمان باید توسط غرب آزاد شوند.
- اسلام ضد مدرنیته است و دین و سیاست را از هم جدا نمی کند.
- ذهن مسلمان از عقلانیت و کسب علم ناتوان است.
- اسلام ذاتاً خشن است.
- غرب دموکراسی را گسترش می دهد، زیرا مسلمانان قادر به اجرای دموکراسی نیستند.

بهانه حقوق بشر

ایالات متحده از ابزار اتهام "نقض حقوق بشر" نیز در ایجاد اجماع جهانی بر علیه کشورهای دیگر استفاده می کند. از جمله حقوق زنان، آزادی جنسی، حقوق همجنس بازان، حقوق اقلیت ها و ... در این رویکرد، حقوق بشر "هدف" نیست، بلکه "وسیله" است.

❖ **حقوق همجنس بازان، عامل مداخله و تفرقه:** یکی از بهانه های حقوق بشری در عصر حاضر به رسمیت شناختن حقوق همجنس بازان است. این مسئله به عنوان یک بمب فرهنگی علیه کشورهای آفریقایی، جهت لیبرالیزه کردن اقتصادشان، استفاده می شود. همچنین کشورهای غربی تهدید کردند که کمک به کشورهای آفریقایی را مشروط به دادن آزادی به همجنس بازان می کنند. یکی از نمونه های استفاده ابزاری از حقوق همجنس بازان به عنوان عامل ایجاد شکاف و تفرقه در بین ملتها، پخش ویدیویی است که یک همجنس باز از جنبش فلسطین حمایت کرده است.

سیاست خارجی: قدرت های بزرگ جهانی، برای دستیابی به اهداف سیاسی خارجی خود، نیاز داشتند که دیدگاه عمومی مردم کشورهای غربی را با اقدامات خارجی خود همراه کنند. یکی از این ابزارهای مهم، استفاده از نهادها و سازمان های به اصطلاح مردم نهاد و حقوق بشری است. که هماهنگی و همسویی دقیقی بین آنها و سیاست خارجی کشورهای غربی و آمریکا وجود دارد.

به عنوان مثال در جنگ بالکان در دهه ۱۹۹۰، گروه های حقوق بشر از تجزیه این کشور حمایت کردند یا در اوکراین در سال ۲۰۱۴ و در سوریه و یمن در سال ۲۰۱۶ از تغییر رژیم حمایت کردند. بنابراین می توان گفت انعکاس تقریباً تمام اولویت های وزارت امور خارجه آمریکا، توسط سازمان عفو بین الملل در جریان سیاست های خارجی، تصادفی نیست. سازمان هایی مانند عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر و اتحادیه های حقوق بشر هزار تویی از جریانان مختلف را راهبری می کنند. هر یک از این سازمان ها پیوندهای مستقیم توسعه یافته ای با دولت های مرکزی غربی و مستقیماً به قلب مجموعه های صنعتی نظامی آنها دارند. پشتوانه اقدامات و پیشبرد امور آمریکا بر عهده کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا است.

افغانستان

یکی از اصلی ترین بهانه های دولت ایالات متحده آمریکا، برای لشکرکشی و حضور نظامی در منطقه غرب آسیا و اشغالگری، وضعیت وخیم زنان این کشورها و لزوم حضور آمریکا و ناتو به عنوان منجی زنان منطقه بوده است. ادعایی که با بررسی آثار و نتایج حضور آمریکا در منطقه کاملاً نقض می شود.

❖ **وضعیت زنان افغانستان پیش از ورود آمریکا به این کشور:** استکبار بارها از موضوع زنان برای توجیه مداخلات سیاسی خود استفاده کرده است. در واقع هر جا که حضور زنان و ضریب رسانه ای آن به نفع اهداف استعماری مستکبری باشد، از آن نهایت استفاده را می برند و هر جا حضور اجتماعی زنان در تقابل با اهداف اشغالگران نباشد، آن را سانسور می کنند.

❖ **عملکرد متناقض آمریکا:** طراحان عملیات مخفی در حمایت از "بنیاد گرای اسلامی" که در دوران ریاست جمهوری ریگان آغاز شد، نقش کلیدی در راه اندازی "جنگ جهانی علیه تروریسم" پس از ۱۱ سپتامبر داشتند. در دوران ریاست جمهوری ریگان، سیاست خارجی ایالات متحده به سمت حمایت و تایید بی قید و شرط از "مبارزان آزادی" اسلامی تکامل یافت. آمریکا از طریق سازمان اطلاعات نظامی پاکستان به گروه های نظامی اسلامی سلاح می رساند. برای تهیه کتاب های درسی مملو از تصاویر خشونت آمیز و آموزه های اسلامی ستیزه جویانه برای دانش آموزان افغان هزینه کرد که بخشی از تلاش های پنهان برای تحریک مقاومت در برابر اشغال شوروی بود. گرچه طالبان در ابتدا مورد حمایت آمریکا بود، اما چون از نظر سیاسی کاملاً با آنها همراه نبود، مقابله با طالبان تبدیل به استراتژی رسمی آمریکا در افغانستان شد. جالب این است که آمریکایی ها حضور خود در افغانستان را با هدف دفاع از زنان افغانستان در مقابل رفتارهای محدودیت زای طالبان توجیه می کردند، در حالیکه پس از حضور آمریکا نه تنها هیچ تغییری نکرد، بلکه وضع زنان بدتر هم شد.

❖ **ثمره حضور آمریکا در افغانستان:** از همان آغاز ورود آمریکا به افغانستان که به بهانه مبارزه با طالبان و بهبود وضعیت آنها انجام شد، رو به روز وضعیت افغانستان بدتر شد. تعداد حملات نظامی و تروریستی در خاک این کشور به طور مستمر افزایش داشت. نرخ فقر در افغانستان طی سالیان حضور آمریکا در این کشور از ۳۴ درصد به ۵۵ درصد رسیده است. شرکت های آمریکایی بسیاری از کمک های مالی بین المللی به افغانستان را به جیب زده و غارت کرده اند.

عراق

علاقه آمریکا به کشور عراق، به جهت دارا بودن رتبه پنجم جهان از لحاظ میزان ذخایر نفتی است. آمریکایی ها دو مرتبه و هر دوبار به بهانه دفاع از حقوق زنان و کودکان و فضا سازی رسانه ای به عراق حمله کردند.

شهادت دروغ نیره الصباح سبب کشته شدن میلیون ها نفر: پس از حمله صدام به کویت، رئیس جمهور آمریکا، اصرار زیادی به جنگ زمینی علیه عراق داشت، اما نظرسنجی ها نشان می داد نیمی از جامعه آمریکا با این تصمیم مخالف است. در این میان، شهادت دروغ یک دختر ۱۵ ساله ناشناس کویتی مقابل کمیته حقوق بشر کنگره، مبنی بر اینکه: "سربازان عراقی را دیدم که با اسلحه وارد بیمارستان شدند. آنها نوزادان را از داخل انکیباتورها بیرون کشیدند و انکیباتورها را برداشتند و نوزادان را رها کردند تا روی زمین سرد بمیرند"

افکار عمومی در آمریکا را عصبانی و در نتیجه موجب جنگ زمینی علیه عراق با عنوان "**عملیات طوفان صحرا**" شد. بعدها فاش شد که شاهد مذکور، دختر سفیر کویت در آمریکا بوده و دیالوگ مذکور به او داده شده بود و شهادت او دروغ و سازماندهی شده بوده است.

حقوق زنان، دستاویز آمریکا برای اقناع افکار عمومی: "**حقوق بشر**" و "**حقوق زنان**" به یکی از ابزارهای اصلی و راهبری آمریکا برای اقناع افکار عمومی، قبل و بعد از حمله به کشورها تبدیل شده بود. آمریکایی ها تلاش کردند تا با روایت سازی های دروغین خود، به بهانه وجود سلاح کشتار جمعی و نقض حقوق بشر و حقوق زنان، حمله خود به عراق را مشروعیت بخشند و مقدمات آن را فراهم کنند. خانم "پاولا دوبریانسکی" که بعدا معاون وزیر خارجه در امور بین الملل آمریکا شد، در یک کنفرانس خبری گفت: "در ارتباط با صدام حسین، ما در نقطه حساسی قرار داریم. با این حال روشن است که زنان عراق نقش مهمی در احیای آینده جامعه خود دارند."

پس از حمله به عراق و مشخص شدن دروغ سلاح کشتار جمعی، بهانه بهبودی زندگی زنان عراقی، مورد استفاده قرار گرفت و این بهترین گزینه برای استمرار پیدا کردن سیاست های آمریکا در عراق بود. اما این موضوع نیز به کار گرفته نشد و خدماتی به زنان آن کشور تعلق نگرفت.

آنچه آمریکا برای زنان عراقی به ارمغان آورد:

جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ منجر به کشته شدن مستقیم ۲۰۰ هزار نفر و نابودی زیر ساخت های عراق شد و ۱۳ سال تحریم اقتصادی تاثیر مخربی بر زنان و روابط جنسیتی آنان داشت. در طول جنگ اول خلیج فارس نیز بیش از ۳۴۰ تن اورانیوم ضعیف شده توسط ایالات متحده بر سر عراق ریخته شد و باعث عوارض بارداری، مرگ و میر مادران و ایجاد نقایص مادرزادی نوزادان شد. دختران مقطع ابتدایی دیگر نتوانستند به مدرسه بروند. ازدواج برای خیلی از زنان عراقی تبدیل به یک رویا شد. بحران اقتصادی باعث روی آوردن زنان به تن فروشی شد که این موضوع، خشم مردم عراق را برانگیخت. این ها همه حاصل جنگ افروزی های ایالات متحده آمریکا علیه ملت های منطقه خاور میانه، علی الخصوص عراق بود.

مصر جدید

دولت اسلام گرا در مصر: مردم مصر در سال ۲۰۱۱ در اعتراض به حسنی مبارک، رئیس جمهور وقت و حکومت استبدادی او، به مدت هفده روز، اعتراضات سراسری انجام دادند. این اعتراضات ذیل عنوان "**بیداری اسلامی**" یا "**بهار عربی**" انجام گرفت. بالاخره رئیس جمهور استعفا داد و قدرت به ارتش واگذار شد. بعد از انتخابات نیز مرسى که گزینه اخوان المسلمین و یک دولت اسلام گرا بود، سر کار آمد.

بیداری اسلامی و سیاست دوگانه غرب در پوشش آن: حاکمیت غرب هر گاه مطالبات زنان و استفاده ابزاری از آنها، در راستای اهداف استعماری شان باشد، رسانه ها و شبکه های خود را در خدمت ضریب دادن به این مطالبات قرار می دهد و هرگاه مسائل حوزه زنان در هیچ جای جهان، منافع او را تامین نکند، هیچ گونه واکنشی نسبت به آن انجام نمی دهد. برای نمونه حضور فعالین زن فمینیست در جریان بیداری اسلامی در کشور مصر از جمله این موارد است. ندینه نابر یکی از اساتید حوزه زن می گوید: به جای پاسخ به این سوال که زنان در این جنبش چه جایگاهی دارند، باید بپرسید چرا ایالات متحده آمریکا به دنبال ایجاد اسلام هراسی در انقلاب مصر از طریق ایجاد یک گفتمان عمومی است و رسانه ها بیشتر بر نقش مردان تمرکز کرده اند؟

ایالات متحده نیز با عنوان "اسلام هراسی" به گفتمان های مردمی در مورد مصر دامن می زند و این سوال را ایجاد می کند: اگر بنیادگرایان اسلامی، مصر را تصاحب کنند چه؟ و همین گفتمان است که به همدستی دولت ایالات متحده در تلاش های خشونت آمیز مبارک برای سرکوب انقلاب، مشروعیت می بخشد.

انقلابی نافر جام برای حقوق زنان: چند روز پیش از اولین سالگرد تحلیف مرسی، موج جدیدی از اعتراضات در مصر علیه دولت اخوان المسلمین تحت عنوان حقوق برای زنان، اقلیت های مذهبی و مصریان سکولار شکل گرفت و برنامه های اخوان المسلمین را برای مصر رد کردند، چرا که اخوان معتقد بود باید یک قانون اساسی جدید نوشته شود. در این جریان، صدها نفر کشته و هزاران نفر زندانی شدند و حقوق اولیه بشر به شدت نادیده گرفته شد. تظاهر کنندگان با نشان دادن اخوان به عنوان رادیکال های اسلام گرا و ناقض حقوق بشر، توانستند خود را قربانی معرفی کنند و حمایت خود را در داخل و خارج از کشور جلب کنند. پس از این اعتراضات، دیکتاتوری به نام "زئرال عبدالفتاح السیسی" به قدرت رسید و پس از به قدرت رسیدن، مرتکب تخلفات بسیار بزرگ تر از تخلفات اخوان المسلمین شد.

انحراف از آرمان: جامعه مصر درگیر جامعه رادیکالی شده که دست از آرمان های خود کشیده و مردمش با یکدیگر بر سر موضوع حجاب درگیر هستند و هر روز این درگیری بین مردم بیشتر می شود. از طرفی، مفتی ها و شیوخ الازهر حکم حجاب در اسلام را برای مردم تبیین می کنند و از طرفی دیگر افراد موثری همچون "جابر عصفور" وزیر فرهنگ مصر، معتقد است که آنچه برای زن اهمیت پیدا می کند، اخلاق و عفت وی است نه فقط پارچه ای که به هنگام نماز دور خود می پیچاند. بنابراین جامعه مصر از هدف اصلی خود منحرف شد.

مناقشه بر سر موضوع حجاب در مصر: مناقشه بر سر حجاب در مصر، روز به روز بیشتر به سمت رادیکال کردن جامعه پیش رفت. در فاصله دو ماه، سه گزارش منتشر شد که خانم های نقاب پوش به زنانی که سرشان برهنه است حمله کرده و موهای آنان را به زور کوتاه کرده اند. بالاخره مدیران بعضی از شرکتها حجاب را در محل کار ممنوع کردند.

سودان

زمینه های دشمنی آمریکا با سودان:

- ۱- دست یابی به منابع نفتی سودان، به ویژه با وجود روابط نزدیک چین و سودان و همچنین وجود قراردادهای نفتی میان این دو کشور
 - ۲- وجود منابع سرشار معدنی و به ویژه طلا
 - ۳- گرایش های سوسیالیستی عمر البشیر و مخالفت با سرمایه داری
 - ۴- همسویی عمر البشیر و ملت سودان با آرمان فلسطین، جمهوری اسلامی ایران و همچنین مواضع ضد اسرائیلی این کشور
- همین موضوعات باعث شده تا آمریکا و غرب برای پیشبرد منافع خود در این کشور، دست به ایجاد بحران های متعدد برای این کشور بزنند.
- از دیگر دسیسه های مستمر امپریالیست ها در سال ۲۰۱۱ تجزیه سودان با حمایت آمریکایی ها بود. این مسئله منجر به از دست رفتن درآمد نفتی، درآمدهای خزانه داری عمومی و درآمدهای ارزی خارجی سودان شد. سودان مجبور به اتخاذ سیاست های ریاضتی و لغو یارانه های سوخت، گندم و کالاهای استراتژیک شد.

آزادی، صلح، عدالت: در سال ۲۰۰۹ از حضور زنان در طرح "نه به سرکوب زنان" با شعار "آزادی، صلاح، عدالت" استفاده شد. این کمپین با اجتماع زنان سودانی برای ابراز همدردی با "لبنی احمد الحسین" که به خاطر پوشش خود دستگیر شده بود، آغاز شد. پس از آنکه جنبش "نه به سرکوب زنان" سودان در رسانه ها جهانی شد و توجه بین المللی شگرفی دریافت کرد، تمرکز حول محور مسئله زنان رسماً آغاز شد. از آن زمان به بعد، موارد دیگری از جمله موارد مربوط به دختر "یوتیوبر" که در سال ۲۰۱۰ توسط پلیس نظم عمومی به شلاق محکوم شد و "امیره عثمان" که در سال ۲۰۱۳ به دلیل امتناع از پوشاندن موهای خود دستگیر شد، باعث تجدید درخواست ها برای لغو قوانین مربوط به پوشش زنان شد و بازتاب جهانی پیدا کرد. در همین راستا، سازمان "طرح استراتژیک برای زنان در شاخ آفریقا" که خود از چند سازمان تشکیل شده بود، با حمایت غرب و با پوشش ارتقای حقوق زنان و برابری جنسیتی در آفریقا،

اقدامات و تلاش های ویژه ای انجام داد. از جمله، درخواست اصلاح فوری قوانین نظم عمومی سودان را به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر ارجاع داد و در افکار عمومی و رسانه های سودانی تبلیغات کرد. همچنین از مبادی غیر رسمی مثل بنیادهای خیریه همکار سازمان سیا مانند بنیاد راکفلر، بنیاد فورد و موقوفه کارنگی نیز به سازمان های فمینیستی کشورهای آفریقایی کمک های مالی کرد. اما هدف از آن نفوذ در آن کشور بود تا به اهداف خود برسد.

سرنگونی پس از سی سال: در سال ۲۰۱۸ پس از حذف یارانه بنزین و نان و اعتراضات گسترده مردم به مشکلات اقتصادی، زنان تظاهرات علیه دولت البشیر را رهبری کردند که نماد آن، آوازخوانی "آلاء صلاح" در میان معترضان بود. با توجه به رهبری اعتراضات توسط ایشان، آمریکایی ها به این دختر در شورای امنیت کرسی ویژه و زمان سخنرانی در سازمان ملل دادند. با توجه به مشکلات اقتصادی و تحریم های شدید غرب، آمریکا توانست سودان را به مذاکره با خود برای رفع تحریم و خروج از لیست تروریستی وادار کند. اما به دلیل عدم پایبندی آمریکا به تعهدات، گفتگوها به نتیجه نرسید. نپذیرفتن مذاکرات از طرف سودان، منجر به ناآرامی هایی در این کشور و در نهایت، منجر به سرنگونی رهبر سودان پس از ۳۰ سال در سال ۲۰۱۹ و تشکیل دولت انتقالی شد. قانون حجاب و ممنوعیت مشروب نیز ملغی و همجنس بازی آزاد و مجازات شلاق و حبس برداشته شد.

پیامدهای سرنگونی دولت وقت: با اینکه انقلاب با وعده برابری جنسیتی، امنیت جنسی، آزادی و عدالت رخ داد، اما به هدف خود نرسید. در نهایت ارمغان این انقلاب، چیزی جز فلاکت و فاجعه برای مردم سودان و به ویژه برای زنان سودانی نبود. سعیده یوسف از فعالان فمینیست سودانی، در مصاحبه با لوموند فرانسه با تلخی بیان می کند:

"ما در سرنگونی رژیم بشیر پیشتاز بودیم، اما اولین قربانیان این واکنش هستیم."

منفعت طلبی سیری ناپذیر آمریکا: با وجود همه اقداماتی که دولت انتقالی سودان داشته است، باز هم آمریکایی ها منفعت خودشان را در بی ثباتی در سودان می دانند و زمینه تجزیه سودان را فراهم کردند. این منفعت طلبی آمریکا نه تنها باعث مداخله نظامی در منطقه شده، بلکه شرایط نامناسبی را حتی در حوزه آموزش و بهداشت برای زنان ایجاد کرده است.

رویای بر باد رفته: زنان سودانی، علی رغم وجود ناامیدی های فراوان، به دفاع از حقوق خود برای عدالت فمینیستی، امنیت و مشارکت در زندگی عمومی ادامه می دهند. آنها خواستار تصویب قوانینی هستند که مرتکبین به خشونت های جنسی را مجازات کند و افراد از حقوق انسانی کامل خود برخوردار شوند. اما متأسفانه این تلاش ها تا به امروز مثمر ثمر نبوده و تمام توافقات منعقد شده با دولت انتقالی، فاقد هر گونه اشاره ای به تعقیب و مجازات عاملان جنایات تجاوز جنسی بوده و هنوز رویای آنها در مورد دولتی که حقوق و کرامت انسانی فراوانی را ارائه دهد، به واقعیت تبدیل نشده است.

سومالی

درگیری بر سر دو همسایه در زمان جنگ سرد: در طول جنگ سرد، شاخ آفریقا مکانی استراتژیک بود، زیرا دسترسی به دریای سرخ و کانال سوئز و همچنین امکان پشتیبانی نظامی در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس را فراهم می کرد. ورود نفت تازه کشف شده، دلیل اصلی علاقه قدرت های آن روزگار برای حضور در منطقه بود. بنابراین دو کشور سومالی و اتیوپی، به میدان نبرد اصلی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شدند.

ایالات متحده از اتیوپی و دولت سلاسی و شوروی از سومالی و دولت سوسیالیستی زیاده باره حمایت می کرد. در سال ۱۹۷۴ در اتیوپی یک کودتا رخ داد و این کشور از سویی مورد حمایت شوروی قرار گرفت و از سوی دیگر ایالات متحده از منطقه خارج شد. سومالی در سال ۱۹۷۷ به اتیوپی اعلام جنگ کرد. در نتیجه تغییر اتحادها رخ داد: ایالات متحده از سومالی و شوروی از اتیوپی حمایت کرد.

حمایت آمریکا از گروه های سلفی در سومالی: برخلاف ادعای آمریکا در محکومیت نقض حقوق بشری و حقوق زنان در دولت زیادباره، او به دنبال رهایی زنان از استثمار سنتی و سرمایه داری بود. او جنبش ناسیونالیستی ضد استعماری زنان سومالیایی را به عنوان یک پایگاه حمایتی قوی شناسایی و در دو قالب "**مادران انقلاب**" و "**سازمان دموکراتیک زنان سومالی**" تقویت کرد. زیادباره قوانینی را تصویب کرد: قانون خانواده که به زنان و مردان اجازه می داد به طور مساوی پس از مرگ یکی از اعضای خانواده، ثروت را به ارث ببرند، چند همسری محدود و به زنان حق طلاق داده شد. تصویب این قوانین دستاویزی برای آمریکا شد، زیرا برخی رهبران مذهبی سومالی، از زیادباره به دلیل مخالفت با اسلام انتقاد کردند و جریانات سلفی و وهابی تقویت شدند و به جنگ با زیادباره آمدند. پس از سرنگونی زیادباره نیز مجدداً این شرایط به دلیل مداخلات آمریکا ادامه داشت. در انتها، این زنان و مردم سومالی بودند که از این موضوع آسیب دیدند و سالها به دلیل جنگ از حقوق اولیه خود محروم شدند.

وضعیت اسفناک پس از جنگ سرد: پایان جنگ سرد منجر به کاهش اهمیت سومالی در غرب و خروج نیروهای خارجی از منطقه شد. زیادباره بدون امکانات و منابعی که نیروهای بلوک شرق و غرب با خود به منطقه آورده بودند، کنترل کشور و ارتش خود را از دست داد و مجبور به فرار از کشور شد. فروپاشی این رژیم استبدادی، منجر به از هم گسیختگی کامل کشور و زیر ساخت های آن شد. شکاف های قبیله ای میراث استعمار اروپا، مردم سومالی را به پنج گروه تقسیم کرد و منجر به بروز درگیری های بین قبیله ای و درون قبیله ای شد. در سال ۱۹۹۱ جنبش ملی سومالی، استقلال خود را از جمهوری سومالی و مناطق شمالی این کشور اعلام کرد. قطع نامه ای صادر و سازمان ملل تصمیم به مداخله در این کشور گرفت و کمک های بشر دوستانه برای نظارت بر آتش بس ارسال گردید. البته این مداخله موفقیت آمیز نبود، زیرا آتش بس نادیده گرفته شد.

مداخله آمریکا در سومالی با همکاری سازمان ملل: ایالات متحده، مداخله در سومالی را از طریق سازمان ملل انتخاب کرد. براساس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، بوش اجازه پیدا کرد تا از تمام ابزارهای لازم برای ایجاد هر چه سریع تر یک محیط امن برای عملیات های امدادی بشردوستانه در سومالی استفاده کند. این مداخله رسماً مداخله نظامی بود و عملیات "**بازگرداندن امید**" نامیده شد. در واقع ایالات متحده داوطلبانه در سومالی مداخله کرد تا موقعیت خود را به عنوان تنها ابرقدرت تثبیت کند.

زنان سومالیایی بی پناه اند و نیاز به حضور نظامی ما دارند: دلیل آمریکا برای توجیه حضور در سومالی، محدودیت های زنان و آزار و تجاوز جنسی نسبت به آنها در مناطق تحت تصرف گروه الشباب بود. در حالیکه بارها به طور گسترده و سیستماتیک به زنان این مناطق تجاوز جنسی کرده اند. آمریکایی ها نه تنها مانع این اقدامات نیروهای نظامی نشدند و عذرخواهی نکردند، بلکه با بی شرمی این اتفاقات را به سطح پایین فرهنگی و خشونت جنسی مردان سومالیایی و آفریقایی نسبت دادند و افکار عمومی را قانع کردند که زنان سومالیایی بی پناه اند و نیاز به حضور نظامی ما دارند.

آسیب پذیرتر شدن زنان سومالی: دو دهه درگیری داخلی و فروپاشی دولت، جمعیت زیادی از زنان آواره را ایجاد کرده است که به ویژه در برابر خشونت جنسی آسیب پذیر هستند. طبق گزارش صندوق کودکان سازمان ملل، یک سوم قربانیان خشونت جنسی در سومالی کودکان و زنان هستند. این بدان معنی است که آمریکا نه تنها به آزادی زنان و حقوق آنان کمک نکرد، بلکه جایگاه آنان را تضعیف کرد و در عوض سلاح های خودش را فروخت و منافع راهبردی خودش را در شمال آفریقا تقویت کرد.

یمن

جمهوری عربی یمن در جنوبی ترین نقطه شبه جزیره عربستان قرار گرفته و از نظر جغرافیایی تنگه باب المندب که دومین تنگه مهم جهان پس از کانال سوئز است، در کنار این کشور قرار دارد و نقطه ارتباطی بین دریای سرخ و مدیترانه به یکدیگر و نقطه اتصال جنوب

غرب آسیا به شرق آفریقا و اروپا نیز می باشد. تا پیش از حملات عربستان به یمن، شرکت هایی از حوزه خلیج فارس و جهان در تلاش بودند تا در این بخش سرمایه گذاری کنند، اما عوامل سیاسی و شرایط نامطلوب امنیتی مانع آن شدند.

وضعیت درگیری همه جانبه یمن: در طول سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ که حکومت "علی عبدالله صالح" با حمایت آمریکایی ها در قدرت تثبیت شده بود، چندین نبرد داخلی علیه جنبش انصارالله شکل گرفت که به "جنگ های شش گانه" شهرت یافت. با گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه، جوانان یمنی نیز برای سرنگونی حکومت یمن دست به قیام زدند. این قیام با حمایت جنبش انصارالله روبرو شد و دامنه اعتراضات در صعدة بالا گرفت. فرجام بیداری اسلامی یمن در سال ۲۰۱۱ به طرح شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان منجر شد. در این طرح، با گفتگوهای ملی میان تمام احزاب و جریان های یمنی، قرار شد یمن به چند اقلیم تقسیم شود. اما تقسیم بندی به این شکل مورد قبول جنبش انصارالله و برخی گروه های یمنی نبود. استمرار فساد حکومتی و ناکامی دولت در تامین نیازهای ضروری مردم، موج دوم بیداری اسلامی در یمن را زمینه سازی کرد. منصور هادی به طور ناگهانی استعفا کرد و به عربستان رفته و برای بازگشت به قدرت، درخواست کمک کرد و متعاقب آن در سال ۲۰۱۵ ائتلافی از برخی کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان سعودی، انجام گرفت و حملات هوایی خود را با نام عملیات "طوفان قاطعیت" به یمن آغاز شد. همین موضوع باعث شد تا یمن نه تنها در میدان نظامی، بلکه در میدان رسانه و جنگ روایت ها نیز وارد یک مقابله سنگین شود.

روایت سازی و تخریب انصارالله یمن با استفاده از مسائل زنان: ایالات متحده برای تخریب چهره انصارالله و ترساندن مردم از روی کار آمدن آنها، به دنبال ایجاد مشروعیت خود برای مقابله با آنان بود. در این بین استفاده از ابزار زنان و مسائل حقوق آنان، مورد تاکید قرار گرفت. شبه نظامیان حوثی، صدها زن را ربوده، شکنجه و آنها را از طریق تلقین یک ایدئولوژی مجبور به گوشه نشینی کردند. رسانه های غربی با تشبیه انصارالله یمن به یک گروه شورشی، سعی داشتند با مشابه سازی میان مبارزان یمنی و گروه طالبان، نسخه ای واحد شبیه به افغانستان برای آنان بیچند. آنها از این حربه رسانه ای برای تمامی جریان های مخالف خود در کشورهای جهان استفاده کرده و تلاش می کنند جریان همسو با خود را بر سر کار بیاورند.

لیبی

ماجرای لیبی ها و مواضع ضدغربی قذافی: در سال ۱۹۶۹ "سرهنگ معمر قذافی" طی یک کودتا به رهبری کشور لیبی رسید. او تا سال ۲۰۰۱ مواضعی کاملاً ضد اسرائیل و غرب داشت و حامی فلسطین بود. این کشور همچنین خواهان دستیابی به فناوری هسته ای بود و توانست با کمک شوروی یک رآکتور تحقیقاتی هسته ای کوچک در تاجورا افتتاح کند.

تهدیدها و منازعات آمریکا با قذافی: بوش پدر قذافی را تهدید کرد که در صورت تعطیل نشدن تاسیسات هسته ای، آنها را نابود خواهد کرد. قذافی بیان کرد تا زمانی که کشورهای دیگری مانند اسرائیل تاسیسات هسته ای دارند، ما نیز ساختن آنها را ادامه خواهیم داد. ایالات متحده مجموعه ای از اتهامات تروریستی از جمله عملیات خرابکارانه "پرواز پان ام ۱۰۳" و پرواز "وتی ای ۷۷۲" را به لیبی نسبت داد، تا جایگاه خود را بعنوان ناجی تقویت کند. این مسائل تا سال ۲۰۰۱ ادامه یافت.

عاقبت اعتماد و عقب نشینی: قذافی تحت تاثیر شکست برخی سیاست هایش به سراغ آمریکا رفت و اقداماتی را برای نشان دادن حسن نیت خود از جمله میانجی گری جهت آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان، انجام داد. اما آمریکا رغبتی به آن نشان نداد. از حمایت فلسطین نیز دست کشید و از یاسر عرفات حمایت کرد. در حادثه ۱۱ سپتامبر نیز قذافی با مردم آمریکا ابراز همدردی کرد و به دنبال کمک به قربانیان بود. لیبی در سال ۲۰۰۱، معاهده "منع جامع آزمایش سلاح های هسته ای" و در سال ۲۰۰۲ معاهده لاهه در مورد "جلوگیری از گسترش موشک های بالستیک" را امضا کرد. در سال ۲۰۰۳ برنامه سلاح های کشتار جمعی خود را برچید و کشور

را به بازرسی بین الملل سپرد. در سال ۲۰۰۴ سانتریفیوژ خود را تسلیم آمریکا کرد و بوش از قذافی برای امن تر کردن آمریکا و جهان تمجید کرد.

در سال ۲۰۱۱ با گسترش بهار عربی در سراسر آفریقای شمالی، ایالات متحده که قبلاً لیبی را متحدی در جنگ علیه تروریسم می دانست، ناگهان حاکم لیبی را یک "دیوانه" نامید که به دنبال "نسل کشی" است و قذافی را به عنوان یک بازیگر مصرف شده، به راحتی کنار گذاشت و با یک مداخله نظامی به بهانه حقوق بشر و با استفاده از لفاظی در مورد زنان لیبیایی، این کشور را به ورطه نابودی کشاند.

علت این اقدام آمریکا مدیریت بیداری اسلامی یا همان بهار عربی بود. غرب نمی توانست طرحی را در غرب آسیا و شمال آفریقا دنبال کند که خود بازیگر اصلی آن نباشد، لذا تصمیم گرفت تحت عنوان حقوق بشر این کشور را متهم کرده و با ادعای ظلم به زنان، مقدمات مداخله نظامی خود را فراهم کند.

علت دیگر نیز مقابله با نفوذ چین و روسیه در شمال آفریقا و بویژه در لیبی بود. زیرا چین سرمایه گذاری قابل توجهی در بخش نفتی داشت و روسیه نیز صادر کننده تسلیحات به خاور میانه بود.

تجاوز، بهانه ای تکراری برای مداخله نظامی: هیلاری کلinton وزیر امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد: ایالات متحده از گزارش های مربوط به تجاوز جنسی در لیبی نگران است. زیرا در سراسر خاور میانه و شمال آفریقا از خشونت جنسی برای تنبیه معترضان استفاده می کنند. چنین اعمالی کرامت اولیه انسانی را نقض می کند. گزارش دیوان کیفری بین المللی نیز حاکی از یک سیاست رسمی تجاوز جنسی می باشد که به دستور سرهنگ قذافی انجام شده است. در نهایت در سال ۲۰۱۱ با قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، منطقه پرواز ممنوع بر لیبی اعمال شد و سپس آمریکا و ناتو به این کشور یورش بردند.

پیامدهای تسلیم شدن در برابر آمریکا: آمریکایی ها و ناتو مدعی بودند که تنها به دنبال نابودی نیروهای مسلح دشمن هستند، اما بسیاری از مردم و زنان بی گناه را مورد اصابت بمب های خود قرار داده و از بین بردند. بزرگترین حادثه، مرگ غیرنظامیان در اثر حملات هوایی ناتو با بمب های هدایت لیزری بود که به یک روستا اصابت کرد و چندین تن را کشته و آواره کرد. اما ناتو در گزارشی اعلام کرد که حمله به مردم عادی نبوده بلکه به تاسیسات نظامی بوده و موفقیت آمیز بوده است. در حالیکه دیده بان حقوق بشر هیچ مدرکی دال بر فعالیت نظامی در خانه هایی که مورد حمله قرار گرفتند، پیدا نکرد.

عاقبت زنان لیبیایی: سالها بعد از حمله به لیبی همچنان وضعیت زنان اسفناک بود. تکثیر تسلیحات و فقدان پاسخگویی، محیط مناسبی را برای خشونت علیه زنان ایجاد کرد. این اقدامات به طور نامتناسبی بر زنان تاثیر گذاشته و مانع مشارکت موثر آنها در ایجاد صلح و تصمیم گیری در همه سطوح شد.

لبنان

آغاز یک نفوذ از نوع فرهنگی: کنگره آزادی فرهنگی در طول جنگ سرد به گسترش ارزش های آمریکایی در برابر نفوذ ایده های سوسیالیست در سراسر جهان مشغول بود. این کمیته به تاسیس یک مجله به نام "**الحوار**" مبادرت ورزید و در ادامه از رویدادهای هنری، فکری، خیریه ای و ... با موضوعات سکولاریسم و فمینیسم و آزادی جنسی حمایت کرد. همچنین کنگره آزادی فرهنگی در لبنان در زمانهای متعدد تاریخی برای مقابله با جریان محور مقاومت در لبنان و فلسطین، افکار سکولار و ضد اسلام فمینیسم را ترویج کرد. در همین راستا ایالات متحده آمریکا با ترویج اندیشه های فمینیستی در جریانات داخلی لبنان، ایجاد شکاف اجتماعی بین مردم را دنبال کرد.

شکاف اجتماعی، ابزار دشمن: پس از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، هزاران آواره فلسطینی به لبنان رفتند. لبنانی ها مخالف حضور فلسطینیان در این کشور بودند و معتقد بودند که جنبش فلسطینی از لبنان عملیات علیه دشمن انجام می دهند و کشور ما باید تاوان آن را بدهد. همین باعث درگیری فلسطینی ها و لبنانی ها گردید. از طرفی جنگ داخلی لبنان در دوره جنگ سرد اتفاق افتاد. سوسیالیسم در لبنان، هم در میان مسیحیان و هم در میان مسلمانان پیروان زیادی داشت. سوسیالیسم مشی ضد اسرائیلی داشت و طرفدار آزادی فلسطین بود. لذا آمریکا و اسرائیل سعی در تداخل در امور داخلی لبنان را داشتند. اسرائیل از فالانژهای مسیحی حمایت کرد و فالانژها از مسئله مخالفت اسلام با حقوق زنان برای بسیج کردن زنان مسیحی، علیه جریان اسلامی و فلسطین استفاده کردند.

انقلاب سرو: انقلاب سرو در سال ۲۰۰۵ پس از ترور رفیق حریری نخست وزیر وقت این کشور به وقوع پیوست. دلیل ترور حریری نزدیک شدن وی به حزب الله لبنان در اواخر عمرش، پس از سالها دشمنی و اختلاف با آنها بود، زیرا این موضوع برخلاف منافع آمریکا و اسرائیل بود. اعتراض هایی در این خصوص بوجود آمد که خواستار تحقیقات بین المللی درباره شرایط قتل حریری و دستگیری افسران ارشد امنیتی در دولت لبنان و خروج کامل نیروهای سوری از خاک لبنان شدند. اما دادگاه ویژه لبنان اعلام کرد که حزب الله و سوریه در این ترور نقشی نداشتند.

انقلاب سرو فضای مناسبی را برای پیشبرد اهداف فمینیسم آمریکایی فراهم کرد و زنان نقش ویژه ای در شعله ورتن کردن انقلاب داشتند. از فردای انقلاب نیز کمپین هایی برای افزایش آگاهی در مورد خشونت خانگی و همچنین وضعیت کارگران مهاجر و اقلیت های جنسی (همجنس بازان) شکل گرفت. برای نمونه می توان به سازمان هایی مانند **"النسویه"** و **"کافا"** اشاره کرد که به مسائلی مانند محیط زیست، هنر زنان و تنوع جنسی می پرداختند.

موج سواری رسانه ای آمریکا برای اعتراضات لبنان: سال ۲۰۱۹ نقطه آغاز مهم ترین تحولات لبنان در دهه اخیر بود. مردم لبنان در شرایط وخیم اقتصادی که در نتیجه فساد مقامات دولتی این کشور به وجود آمده، تظاهراتی گسترده به منظور مقابله با این شرایط و محاکمه فاسدان برگزار کردند. از همان روزهای اول اعتراضات مردمی، آمریکا شروع به موج سواری بر این تظاهرات کرده و از طریق سفارت واشنگتن در بیروت در تلاش برای تحریف روند اعتراضات در جهت منافع خود بود و برجسته سازی زنان دوباره شروع شد. در نتیجه با استفاده ابزاری از زنان و آزادی جنسی آنان برای کنترل مسائل سیاسی خود اقدام کرد.

ترکیه

مصطفی کمال آتاتورک اولین رئیس جمهور ترکیه بود که مبدا تغییرات بزرگی در این کشور در راستای مدرنیته و نفوذ اندیشه سرمایه داری محسوب می شد. او حقوق زنان را بخشی از مدرن سازی و غربی سازی ترکیه می دانست و با اعطای حقوق رسمی مانند حق رای و ارث به زنان، کوشید ترکیه را با استانداردهای اروپایی تمدن و پیشرفت همسو کند. آتاتورک زنان را به حضور در دانشگاه ها، اخذ مدارک حرفه ای، پیوستن به سازمان های اجتماعی و شرکت در انتخابات تشویق و برخی زنان را به پست های رسمی و پارلمان منصوب کرد. هدف او از انجام این کار، تبدیل زنان به شهروند وفادار و مدرن بود که اصلاحات و ایدئولوژی او را تایید کنند. اما اصلاحات آتاتورک با مقاومت یا بی تفاوتی بسیاری از بخش های جامعه ترکیه بویژه در مناطق روستایی که آداب و رسوم سنتی داشتند، مواجه شد. بنابراین آتاتورک از بهانه آزادی زنان برای ایجاد کنترل اجتماعی به طرق مختلف استفاده کرد و وضعیت زنان را بهبود نداد.

ایران

سیاست های مقلدانه پدر ایران نوین: رضاشاه به تقلید از آتاتورک، به دنبال ایجاد کنترل اجتماعی با بهانه آزادی زنان بود. هدف او ایجاد دولتی سکولار، متمرکز و قدرتمند بود. بزرگترین دستاورد رضا شاه، تلاش او برای ممنوعیت حجاب زنان ایران بود. در سال ۱۹۲۹ قانون پوشیدن لباس های غربی را تصویب و در سال ۱۹۳۶ قانون پوشیدن چادر را برای زنان ممنوع کرد.

سوء استفاده از زنان در راستای تحکیم قدرت: محمدرضا پهلوی از رویه دیگری استفاده کرد. او سرگرمی ها و مراکز تفریحی مختلفی به صورت رسمی و نظام مند، با صرف بودجه های کلان و با توجیهات مختلف، دایر کرد که در راستای ترویج فساد، فحشا و انحطاط اخلاقی جامعه و سوء استفاده از زنان بود و با اختصاص بودجه به شکل مستقیم و غیرمستقیم به این ناهنجاری ها دامن می زد. به طوری که مراکز بدنام و فاحشه خانه ها تبدیل به یک معضل اجتماعی شد و بعنوان پایگاه های جنایت، فساد، قتل و اعتیاد درآمدند. این مراکز فساد، تاثیر مخرب و عمیقی بر فرهنگ جاری در آن زمان داشت.

فاسدترین افراد: در انتصابات مسئولین حکومتی نیز، فاسدترین افراد منصوب می شدند. یکی از مصادیق این انتصابات، "لیلی امیرارجمند" بود. او از دوستان قدیمی فرح پهلوی و از فاسدترین زنان دربار بود. فساد او به حدی بود که بعد از فرار شاه از ایران و سفر به باهاما برای مداوا، دولت باهاما، به جهت فسادهای همراهان شاه، عذر شاه و همه اطرافیانش را خواست و اعلام کرد که از نظر سیاسی و اجتماعی حضور شاه و همراهانش برای کشور باهاما زیان آور است.

مراسم های گرامیداشت ویرانگر فرهنگ: از سویی با برگزاری مراسمات و جشن های مختلف به بهانه گرامیداشت و ... به ترویج هر چه بیشتر بی بند و باری و فحشا می پرداختند. اوج این فساد در زمان محمدرضا شاه در جشن هنر شیراز رخ داد. جایی که سراسر نمایش، برهنگی و برنامه های مستهجنی بود که حتی صدای غربی ها را درآورد و به این شیوه عملکرد اعتراض کردند.

اصلاحات پهلوی در رابطه با زنان: شاهان پهلوی در عمل به منزلت زن توجهی نمی کردند و با وقاحت تمام، زن را فقط محدود در ارضای نیاز جنسی مردان تصور می کردند و هیچ باوری به موفقیت بانوان در امور مختلف نداشتند. فساد اخلاقی و زن بارگی شاه و برخی درباریان، حاکی از پایین بودن جایگاه زن در نظر ایشان، در حد بازیچه و ابزاری برای سرگرمی مردان بود. با توجه به این دیدگاه ها در نظرات و عملکرد سران حکومت نباید انتظار شرایطی مطلوب برای بانوان را داشت.

وضعیت زنان در جمهوری اسلامی

آموزش: طبق گزارش انجمن جهانی اقتصاد، جمهوری اسلامی ایران، در عدالت آموزشی بین دختر و پسر، مقام اول جهان را داراست.

زیرساختهای آموزشی و پژوهشی: پیشرفت های حاصل شده در حوزه باسوادی زنان، با تکیه بر بسترسازی های آموزشی و پژوهشی به وقوع پیوسته است. نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به ایدئولوژی خود که تکریم و احترام جایگاه زنان است، مراکز آموزشی و پژوهشی مختص بانوان را نیز تاسیس کرده که در جهان کم سابقه است. پس از انقلاب، بسیاری از سازمان های مردم نهاد و مراکز پژوهشی بانوان به وجود آمدند و وظیفه اصلی آنان بررسی مسائل حوزه زنان و ارائه راهکارهای حل این مسائل است.

بهداشت و سلامت: امید به زندگی یک شاخص آماری است که متوسط طول عمر افراد در یک جامعه را نشان می دهد. طبق آمار بانک جهانی، شاخص امید به زندگی بانوان پیش از انقلاب، ۵۷ سال بوده و پس از انقلاب در سال ۱۴۰۰ به ۷۷ سال رسیده است.

اجتماعی و فرهنگی: حضور زنان در پست های سیاسی، از جمله در مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، از دیگر جلوه های حضور سیاسی زنان در دوران پس از انقلاب اسلامی است، در حالیکه زنان در دوره پهلوی حتی در ساده ترین مناصب دولتی نیز گماشته نمی شدند.

عربستان

با مرگ ملک عبدالله در ابتدای سال ۲۰۱۵ و جانشینی ملک سلمان در عربستان همه چیز در این کشور تغییر کرد. رویکرد بن سلمان رویکردی با دادن آزادی بیشتر به زنان، برای بهبود جایگاه حاکمیت در نگاه مردم این کشور بود و مسیر عربستان سعودی را به سمت مدرنتیجه غربی هموار می کرد.

عربستان امروز، ایران دیروز: همه این تغییرات، حول موضوع آزادی اجتماعی و مسائل جنسی بنا شده و نگاهی به نیازهای زنان در حوزه های آموزش، بهداشت و اقتصاد ندارد.

مثلاً "سازمان سرگرمی عربستان" در سال ۲۰۱۶ تاسیس شد و هدف آن افزایش نشاط و سرگرمی بود. این سازمان هر ساله در شهرهای مختلف، مراسمات و جشن های مختلفی را با دعوت از خوانندگان مختلف خارجی، ورزشکاران و هنرمندان برگزار می کند. در سال ۲۰۱۶ جشن هایی با عناوین "موسم الرياض"، "موسم جدّه" و "موسم الشرقیه" برگزار گردید. عربستان تا سال ۲۰۱۷ حتی سینما نداشت و در سال ۲۰۱۸ مجوز افتتاح آن صادر شد. مجوز اجرای نمایش های تئاتر نیز در سال ۲۰۱۸ صادر گردید.

اداره راهنمایی و رانندگی عربستان در سال ۲۰۱۸ با صدور اولین گواهینامه برای یک زن، روند تبدیل گواهینامه های بین المللی زنان این کشور به گواهینامه های سعودی را در شهرهای مختلف عربستان آغاز کرد تا زنان بتوانند مانند مردان در این کشور از حقوق رانندگی بهره مند شوند. قبل از آن هر شهروند عربستانی که خواستار اعطای حق رانندگی به زنان می شد، به اتهام به هم ریختن نظم عمومی دستگیر و روانه زندان می شد. بنابراین آغاز رانندگی زنان در این کشور حمایت بخشی از جامعه را برای حاکمیت ایجاد کرد. اما واقعیت چنین نیست.

حقیقت زندگی زنان در عربستان: در عربستان بزرگ ترین جنایات علیه زنان اتفاق می افتد اما کسی مطلع نمی گردد. رویترز گزارش می دهد که عربستان یک زن را به جرم به اشتراک گذاشتن پست های مرتبط با حقوق زنان در شبکه های اجتماعی به ۴۵ سال حبس محکوم می کند. عفو بین الملل گزارش می دهد زنان سعودی که برای حق رانندگی در این کشور کمپین تشکیل داده بودند، بازداشت شدند و الان در حال شکنجه شدن هستند. بن سلمان شاید با اعطای آزادی های جنسی و اجتماعی اعتماد و محبوبیتی بین جوانان عربستانی پیدا کرده، اما هنوز هم به زنان در این کشور ظلم های عجیبی می شود.

تونس

فمینیسم دولتی: فمینیسم و شعار آزادی زنان در تونس نیز یک ابزار در دست دولت، برای کنترل سیاسی مردم بود. "حبیب بورقبیه" اولین رئیس جمهور این کشور، همه جنبش های فمینیستی را قانونی اعلام کرد و حزب واحدی را در دولت با نام "فمینیسم" ایجاد و آن را تامین مالی کرد. اما تنها آزادی که او به ارمغان آورد، آزادی پوشش و روابط جنسی بود.

رهاورد نجات دادن زنان از حجاب: بن علی رئیس جمهور بعدی این کشور نیز راه بورقیه را دنبال کرد و موضع سختی در مورد حجاب داشت و پوشیدن آن را در همه نهادها ممنوع کرد.

فمینیسم دولتی تونس باعث شد تا این کشور در تحقق بسیاری از مطالبات جنبش های فمینیست جهان در آن زمان از کشورهای غربی هم جلو بزند. آزادی سقط جنین در تونس ۸ سال قبل از ایالات متحده آمریکا تبدیل به قانون شد. اما نتایج تلاش های دولت تونس در تحقق برابری بین زن و مرد و دادن آزادی به زنان این بوده است:

- ❖ ترک تحصیل کودکان تونسی
 - ❖ در جوامع روستایی تونس، زنان بخش عمده ای از کارها را به ویژه در صنعت کشاورزی به عهده می گیرند.
 - ❖ در معرض خشونت جنسی، روانی و جسمی بودن بیش از نیمی از زنان آن کشور
 - ❖ سه چهارم زنان تونس در محل کار و ۹۰ درصد از زنان نیز در وسایل نقلیه عمومی مورد آزار جنسی قرار گرفته اند.
- در نهایت در کشور تونس نیز شعار آزادی زنان، فقط در ظاهر به نام و منفعت زنان بود، ولی در واقع به کام سیاستمداران آن شد.

سوء استفاده تبلیغاتی از زنان، قاعده کلی انتخابات های آمریکا: مباحث انتخاباتی کشورهای مختلف در سراسر جهان از شرایط تاریخی و اجتماعی آن ریشه می گیرد. در مورد ایالات متحده نیز استفاده از مباحث جنسیتی در کارزارهای انتخاباتی بسیار رایج و متداول بوده است. در انتخابات سال ۲۰۰۰ جورج بوش با وعده "بازگرداندن مدنیت" به صحنه انتخابات وارد شد. هنگامی که به قدرت رسید، اقدامات زیادی در مورد تحقق وعده های انتخاباتی خود در حوزه زنان انجام داد. تعدادی از زنان برجسته را به عنوان وزیر در کابینه منصوب کرد. او قانونی "انعطاف پذیری زمان خانواده" که ادعا می شد به مادران شاغل قابلیت بیشتری را برای تعیین ساعت کاری می دهد را تصویب کرد که بعدها مشخص شد این قانون به نفع کارفرمایان بوده است نه کارمندان زن. قانونی دیگر تحت عنوان "فرزندی را پشت سر نگذارید"، تصویب کرد که در جهت بهبود آموزش دولتی شکل گرفته بود. این قانون نیز میلیون ها کودک را با تحمیل قوانین جدید پرهزینه بر مدرسی که در حال حاضر دچار مشکل شه بودند، روانه ساخت.

اقتصادی

اولین گام بهره کشی اقتصادی جهان غرب از زنان، با انقلاب صنعتی کلید خورد. از آن پس زنان تبدیل به نیروی کار بسیار ارزشمندی برای سرمایه داری شدند. از سال ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۷۰ ایالات متحده به سه دلیل در سرآشویی از دست دادن مزیت رقابتی خود قرار گرفت و قدرت این کشور به سه دلیل به چالش کشیده شد:

- ۴- بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای اروپایی و ژاپن
 - ۵- چالش جدی ناسیونالیسم کشورهای در حال توسعه
 - ۶- به طول انجامیدن جنگ ویتنام
- دولت آمریکا و شرکت های آمریکایی مجموعه ای از استراتژی ها را از قبیل انتقال بخشی از مراحل تولید به کشورهای جنوبی به دلیل ارزانی نیروی کار و ایجاد مناطق تجارت آزاد در پاسخ به این وضعیت، بکار گرفتند:
- ۳- انتقال بخشی از مراحل تولید به جنوب، این اقدامات در بخش صنایع نساجی و الکترونیک کشورهایی نظیر چین، تایوان، مالزی، اندونزی، مکزیک و آمریکای جنوبی موفق بود.
 - ۴- افزایش اقتصاد خدماتی، اقتصاد خدماتی در حوزه هایی نظیر حمل و نقل و خدمات عمومی، تجارت و خرده فروشی، امور مالی، بیمه و املاک و مستغلات رشد زیادی یافت. همزمان با رشد این بخش، شاغل شدن زنان نیز رشد شدیدی یافت و ۶۰ درصد این شغل ها به زنان اختصاص یافت.
- در دگرگونی صنعت فروشگاه های بزرگ نیز موارد قابل ملاحظه ای وجود داشت. این فروشگاه ها تعداد مدیران خود که مرد بودند را دو برابر کرد، اما تعداد مشاغل کم دستمزد مانند مشاغل پاره وقت که به راحتی می توان کارگر را اخراج کرد، به زنان اختصاص یافت.

نظریه فمینیسم آمریکایی مبنی بر اینکه "کار با دستمزد، نشان دهنده آزادی زنان است" به نفع سرمایه داری بوده و هست. صندوق بین المللی پول بر کشورهای در حال توسعه فشار آورد تا اقتصاد صادرات محور را در پیش بگیرند و توسعه دولتی خود را کنار بگذارند. در نتیجه کشورهای جهان سوم که مقروض بودند از حضور شرکت های چند ملیتی در مناطق آزاد تجاری استقبال کردند و در همین راستا کارخانه هایی در صنعت الکترونیک توسط کشورهای فلیپین، کره جنوبی، سنگاپور و ... افتتاح گردید. سرمایه داری بین المللی به طور نظام مند ساختارهایی که در حمایت از زنان و فرزندانشان از بیمه سلامت گرفته تا آموزش، خانه داری، غذا و سوخت قابل خرید را نابود کرد. در نتیجه موجب فقر، بیماری و شکاف ثروت بی سابقه ای گردید. این بحران به طور همزمان زنان را به بازار اقتصاد، با این استدلال دعوت کرد که ورود به بازار اقتصاد، راه آزادی زنان است. مشروع سازی فمینیسم، پوشش و ماسکی برای ساختار بندی دوباره اقتصاد جهانی بود و این موضوع تعمیق و تشدید فقر زنان را مخفی می کرد.

زنان به مثابه نیروی کار

❖ زندگی زنان خانه دار آمریکایی چگونه دگرگون شد؟

در گذشته آمریکا، خانه داری به عنوان یک ارزش بود، اما با وقوع انقلاب صنعتی به دلیل نیاز مبرم ایالات متحده به نیروی کار ارزان قیمت، زنان به عرصه اشتغال کشیده شدند. در نتیجه سن ازدواج بالا رفت. با شروع جنگ جهانی دوم و حضور مردان در جنگ، زنان در صناعی که تحت سلطه مردان بود، مشغول بکار شدند. بعد از اتمام جنگ، شرایط اشتغال زنان تغییر کرد. زنان در اثر فشارهای اجتماعی مجبور به ترک شغل های خود شدند و دوباره همان تصویر پیشین که زنان باید در خانه بمانند و فقط مردان کار کنند، بر جامعه حاکم شد. برای برخی شغل خارج از خانه یک ضرورت بود زیرا فرهنگ مصرف گرایی رایج شده بود. با توجه به حضور مردان در مشاغل، در نتیجه زنان به سمت مشاغل کم درآمدتر با مهارت کمتر مانند خرده فروشی، گارسون و منشی گری سوق داده شدند. نکته بسیار مهم اینکه فمینیسم و تفکرات آن که برای تامین منافع اقتصادی سرمایه داران به وجود آمده بود، تفکر معیوب برابری مطلق زن و مرد را تا آنجا پیش برد که برخی قوانین و امتیازات کاری که به نفع زنان و مادران بود را حذف کرد و این چالش بزرگی را در زندگی زنان بوجود آورد.

نقش زنان در تولید صادراتی: در نیمه دوم قرن بیستم، کره جنوبی در حوزه استفاده از نیروی کار ارزان زنان در طول شکوفایی اقتصادی خود پیش گام بود. زیرا زنان از مزرعه به کار در کارخانه کشیده شده و به این کشور اجازه داد تا با ذخایر نیروی کار نامحدود، صنعتی شود. اما وضعیت زنان چندان مطلوب نبود. اختلاف زیادی بین مشارکت زنان و پاداش های دریافتی آنها وجود داشت. زنان کمتر از نیمی از حقوق همتایان مرد خود دریافت می کردند. این شکاف میان دستمزد جنسیتی مرد و زن یکی از کلیدهای موفقیت کره جنوبی در ماموریتش برای صنعتی شدن بود.

تبدیل خدمات مادرانه به فرصت اقتصادی: پس از خروج زنان از منزل، نیاز به تامین احتیاجات داخل خانه توسط صنایع احساس شد. این اتفاق همان چیزی بود که سرمایه داران انتظارش را داشتند. بدون حضور زن در خانه، باعث شد خانه بدون غذا شود. تهیه غذا از بیرون به ایجاد صنایع غذایی، شستشوی لباس و نظافت منزل به ایجاد صنایع خدمات منزل و نگهداری فرزند به ایجاد مهدکودک انجامید.

با تبدیل شدن اشتغال زنان در بیرون خانه، به عنوان یک فرهنگی عمومی، به طور طبیعی نرخ فروپاشی خانواده افزایش یافته و نرخ ازدواج نیز کاهش یافت. در نتیجه تبعات ناشی از آن، از جمله عدم تامین نیازهای جنسی افراد نیز به سطح جامعه تحمیل شد.

صنعت سکس: یکی از نتایج اشتغال زنان و مسائلی را که به جامعه تحمیل کرد، تامین نیاز جنسی افراد بود. نظام سرمایه با راه اندازی صنعت پردرآمد پورن، توانست درآمد هنگفتی به دست آورد. صنعت پورنوگرافی نیز یکی دیگر از موارد بهره کشی اقتصادی از زنان و نگاه کاملاً جنسی به آنهاست که به سرعت در حال رشد است و مهمترین قربانیان این صنعت در جهان زنان هستند.

نظامی

استفاده ابزاری از فمینیسم برای تامین نیروی انسانی ارزان قیمت در ارتش

گسترش جنگ های ایالات متحده در اوایل قرن بیست و یک موجب شد تا نیاز به نیروی انسانی ارتش بیش از پیش احساس شود. از طرفی هزینه های مربوط به جنگ و وضعیت اقتصادی آمریکا، باعث شد تا خانواده های طبقات پایین این کشور متحمل هزینه های متعدد شوند. اکثر خانواده های فقیر، توسط مادران تک سرپرست اداره می شدند و بار مالی عمده به عهده آنها بود. همین موضوع، دستاویز فمینیسم در ایالات متحده شد تا زنان را با عنوان نیروی کار ارزان، جذب ارتش کند. چرا که می توانست در کاهش و تعدیل هزینه ها موثر باشد.

یکی دیگر از کارکردهای به کارگیری و حضور زنان در ارتش، دموکراتیک نشان دادن آن است. گویی که زنان مانند مردان قدرت انتخاب حضور در ارتش را پیدا کرده اند، اما حقیقت ماجرا مردسالاری نظام حاکم بر جامعه آمریکا است که زنان را مجبور کرده به واسطه هزینه های بالا و نیاز به آموزش و تحصیل با بورسیه شدن در ارتش به آن ملحق شوند.

استفاده ابزاری از فمینیسم و تامین نیازهای جنسی سربازان در داخل کشور و پایگاه های خارجی

❖ **تامین نیازهای جنسی سربازان از طریق سربازان زن:** حضور زنان در ارتش ایالات متحده در ظاهر برای آنها امکانات رفاهی را به همراه داشت، اما در حقیقت زنان در ارتش از شرایط خفت باری برخوردارند. نرخ تعرض و حتی تجاوز جنسی در ارتش آمریکا علیه سربازان زن آمریکایی، بسیار بالاست.

❖ **مرگ به علت کم آبی:** مارجوری کوهن در کتاب "ارتش علت مرگ زنان سرباز را پنهان می کند" می نویسد: "فرمانده ارشد سابق ارتش آمریکا در عراق، دستور داد علت مرگ چند سرباز زن که در عراق خدمت می کردند، پنهان بماند. کارپینسکی شهادت داد که این زنان به دلیل کم آبی جان خود را از دست دادند. آنها از نوشیدن مایعات در اواخر روز خودداری می کردند، زیرا می ترسیدند که مجبور به استفاده از توالت در اواخر شب شوند. آنها می ترسیدند که اگر به استفاده از توالت که دور از پادگان بود مجبور شوند، مورد حمله و تجاوز سربازان مرد بعد از تاریک شدن هوا قرار گیرند.

❖ **زنان عراقی اسیر آمریکا:** در زندان ابوغریب نیز زنان عراقی مورد شکنجه و تجاوز گروهی نظامیان آمریکایی بودند، اما رسانه های آمریکایی آن را فاش نمی کردند. به گفته وزارت امور خارجه ایالات متحده، تعداد مراکز بازداشت بیش از ۴۵۰ مورد بود و زنان حتی در ایست های بازرسی و در حین تفتیش خانه هایشان مورد آزاد جسمی و جنسی قرار می گرفتند. از جمله یکی از آنان عبیر قاسم دختر ۱۴ ساله عراقی بود که توسط سربازان آمریکا مورد تجاوز قرار گرفت و به طرز وحشیانه ای کشته شد.

فعال ضد جنگ، نماد تنفر

استفاده از فمینیسم تا زمانی برای آمریکا ارزشمند است که در راستای پیشبرد اهداف آنان در حوزه های مختلف از جمله مسائل نظامی باشد. هر گاه فعالان فمینیست بر روی مسائلی متمرکز شوند که مورد پذیرش حاکمیت این کشور نباشد، نه تنها حق آزادی و ارائه نظارت خود را ندارند، بلکه توسط حاکمیت و جریان های همسو، به شدت تحقیر خواهند شد.

جین فاندا یک بازیگر زن و فعال ضد جنگ آمریکایی بود که فعالیت های زیادی را علیه حضور نظامیان آمریکا در کشور ویتنام انجام داد. در آکادمی نیروی دریایی ارتش ایالات متحده آمریکا، مراسم شبانه ای دارند که دانشجویان سال اول نیروی دریایی در آن می گویند: "شب بخیر جین فاندا" و تمام افراد آنجا جواب می دهند: "شب بخیر هرزه".

این موضوع به خوبی تحقیر جایگاه زنان ضد جنگ را در بین نظامیان و فعالین جنگ آمریکایی نشان می دهد.

فصل چهارم

پیامدهای آزادی زنان به سبک غربی

مفهوم آزادی زنان در غرب، به دنبال تاثیرپذیری از تفکر فمینیسم پس از جنگ سرد، به معنای رهایی از هرگونه قید و بند و هر نوع قاعده و ضابطه در روابط تبدیل شده است. چنین برداشتی از آزادی که در سالهای گذشته کم سابقه و بی سابقه بوده، نتایج خفت باری را برای این جوامع بوجود آورده است. برخی از مهم ترین نتایج رواج این نگاه و اندیشه در کشورهای غربی عبارتند از:

فروپاشی نهاد خانواده: یکی از مشکلات دنیای غرب که به تدریج پایه های این تمدن را نابود کرده، بی توجهی به نهاد خانواده است. نسل های بی هویت، بی خبری پدر و مادرها از فرزندان طی سالها، خانواده های متلاشی شده و انسان های تنها را بوجود آورده است. تا جایی که به دغدغه بسیاری از اندیشمندان غربی تبدیل شده است. نگاه سرمایه دارانه جهان غرب به زنان به عنوان یک نیروی کار ارزان و کم دردرس، عامل اصلی تضعیف نهاد خانواده است. این نگاه زنان را به سمت بازار کار سوق می دهد و همه امتیازات نهاد خانواده را از بین می برد. عدم برخورداری زنان و مادران آمریکایی از حمایت های رفاهی و اقتصادی لازم از طرف دولت ها در طول سالیان دراز و همچنین بالا بودن هزینه های زندگی در ایالات متحده، باعث شده تا زن و مرد مجبور شوند برای تامین هزینه های خانواده به صورت همزمان کار کنند و این نیز باعث متزلزل شدن بنیاد خانواده شد.

کاهش ازدواج های رسمی: در دنیای غرب و به خصوص در آمریکا، بنیان خانواده بسیار متزلزل است. این مسئله خودش را در کاهش نرخ ازدواج و عدم تمایل افراد به تشکیل خانواده نشان می دهد.

افزایش نرخ طلاق: طلاق در زمره غم انگیزترین پدیده های اجتماعی است که بر جامعه آثار شومی برجای می گذارد و پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع غربی است. نرخ طلاق در دهه های گذشته از ۱۲ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴۸ درصد در سال ۲۰۲۲ رسیده است.

افزایش هم خوابگی: یکی دیگر از عواملی که منجر به تضعیف نهاد خانواده شده است، مسئله رواج هم خوابگی و هم باشی جنس های مخالف در خارج از چهارچوب ازدواج است. این موضوع نتایج فاجعه باری را برای کشورهای غربی رقم زده و به فرهنگی پذیرفته شده در میان نسل جدید، تبدیل شده است. موسسه مطالعات خانواده آمریکا در مقاله ای بیان کرده که تقریباً دو سوم ازدواج ها در بازه سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ میلادی، هم خوابگی بوده است.

خشونت خانگی علیه زنان: برآیند همه بحران های مطرح شده، خود را به صورت واضح در مسئله خشونت علیه زنان نشان می دهد که تضعیف نهاد خانواده و افزایش ولنگاری های بی حد و حصر، نه تنها منجر به کاهش آسیب های اجتماعی و فرهنگی نشده، بلکه بیش از همه، زنان را دچار رنج کرده و جایگاه آنان را در سطح خانواده و جامعه دچار آسیب جدی کرده است. کاترین هانسون، مدیر مرکز انتشارات "قانون برابری آموزشی زنان"، آماری در رابطه با خشونت در ایالات متحده آمریکا ارائه کرده است که عبارتند از:

❖ هر سال نزدیک به ۱/۸ میلیون زن مورد تجاوز شوهران یا شرکای عاطفی خود قرار می گیرند.

❖ خشونت مردان، عامل اصلی مرگ و میر زنان است.

❖ علت اصلی آسیب دیدگی زنان، ضرب و شتم آنان توسط مردان در خانه است.

خشونت علیه بانوان نه تنها در ایالات متحده آمریکا بلکه در بسیاری از کشورها که از الگوی غربی تبعیت می کنند، فراگیر شده است.

کاهش و پیری جمعیت: هزینه دیگری که از محل فروپاشی خانواده بر دولت آمریکا تحمیل شده، کاهش نرخ فرزندآوری در میان زنان آمریکایی است. با کاهش تعهد به چهارچوب خانواده، میل به فرزندآوری در میان زنان جامعه آمریکا کم شده و آمریکا اکنون یکی از پایین ترین نرخ های فرزندآوری زنان خود را تجربه می کند.

پیرشدن جمعیت یک کشور، هزینه های سنگینی بر دوش آن کشور خواهد گذاشت، از جمله هزینه های مراقبت های درمانی از افراد مسن و بالای ۶۵ سال. از طرفی با کم شدن نسبت جوانان به جمعیت کل کشور، نسبت نیروی کار مورد نیاز کشور نیز کاهش می یابد و تامین هزینه های کشور با چالش جدی مواجه خواهد شد.

فرزندان نامشروع: تولد فرزندان نامشروع نه تنها فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه را تغییر می دهد، بلکه هزینه های اقتصادی قابل ملاحظه ای را به بار می آورد. امروزه این موضوع یکی از مهم ترین موضوعاتی است که جامعه غربی با آن روبروست. سه رتبه اول تولد فرزندان نامشروع متعلق به کشورهای شیلی (۷۵ درصد)، کاستاریکا (۷۳ درصد)، مکزیک (۷۰ درصد) می باشد.

بسیاری از این فرزندان نامشروع در خانه های تک والدی زندگی می کنند که معمولاً مادران، سرپرست آنها هستند و این تعداد در حال افزایش بوده و علاوه بر مضر بودن این مادران برای جامعه، هزینه های بسیار زیادی را به جوامع تحمیل می کند.

همجنس گرایی: نتیجه بدیهی تضعیف نهاد خانواده، شیوع انحرافات جنسی در سطح جامعه است. جامعه ای که نتواند نیاز جنسی مربوط به افرادش را در بستر صحیحی مانند خانواده تامین کند، ناگزیر رو به تجربه های فاجعه باری می آرد که گریبان آن جامعه را تا سالهای سال خواهد گرفت و علاوه بر مشکلات فرهنگی و اخلاقی، باعث شیوع بیماری های مختلف و حتی ضربات اقتصادی خواهد شد.

پیامدهای همجنس گرایی: در سال ۱۹۸۱ نیویورک تایمز مقاله مشهوری با عنوان "سرطان نادر در ۴۱ همجنس گرا مشاهده شد" منتشر کرد که این مقاله ظهور ناگهانی سرطان پوست نادری به نام سارکوم کاپوزی (که بعدها به عنوان سرطان همجنس گرا شناخته شد)، را در مردان همجنس گرا در نیویورک و لس آنجلس شرح داد. اعتقاد بر این بود که سرطان مسی نیست، اما شرایطی که ممکن است باعث ایجاد آن شود، مانند ویروس های خاص یا عوامل محیطی، ممکن است علت شیوع در میان یک گروه باشد. این بیماری با عواقب مرگباری رخ می دهد.

نگاه اهانت آمیز به زن

زن به مثابه کالا: سازمان جهانی یونسف در گزارشی با عنوان "زنان کالا نیستند" به مسئله بهره برداری جنسیتی از زنان و دختران، اشاره کرده است:

هر ۱۰ دقیقه در جایی از دنیا، یک دختر نوجوان بر اثر خشونت جنسی می میرد. تقریباً از هر پنج دختریکی از آنها حداقل یک بار در زندگی خود مورد آزار جنسی قرار گرفته است. در ایالات متحده، ۱۸ درصد دختران در سن ۱۷ سالگی قربانی یک حمله جنسی یا سوء استفاده از سوی نوجوان دیگر شده اند. انجمن روان شناسی آمریکا در مورد جنسی شدن نگاه به دختران در رسانه ها می گوید که دختران بیشتر از پسران به شیوه شهوت انگیز، حالت های بدنی یا حالت های چهره که حاکی از آمادگی جنسی است، به تصویر کشیده می شوند. رسانه های اجتماعی نیز فشارهای زیادی را برای مطابقت دختران نوجوان با برخی روایت های جنسی انجام داده اند. روزنامه گاردین در مقاله ای عنوان می گوید: جای تعجب نیست اگر مردان به زنان به عنوان یک کالای جنسی بنگرند. زیرا رسانه ها و حتی خود زنان به فراگیرتر شدن این نگاه کمک کرده اند. مثلاً یکی از وب سایت های معروف، دارای صفحات ارزیابی اندام های زنان است و نکته جالب این است که این تصاویر توسط خود دختران و زنان و به صورت کاملاً داوطلبانه به اشتراک گذاشته شده است.

پورنوگرافی: استفاده ابزاری از زیبایی جسمی زنان در جهت منافع صاحبان سرمایه، همان برده داری و تجارت جنسی است. این امر در سبک زندگی ملل مشاهده می شود. جایی که برای نابودی و نفوذ به سنت و فرهنگ های جوامع مبتنی بر اخلاق و مذهب، با ابزار تبلیغات اغوا کننده، مصرف گرایی هدفمند و رونق فیلم های پورن و غیراخلاقی اقدام می کنند. این همان خشونت است که علیه کرامت و نجابت زن اعمال می شود. امروزه جنسیت مانند بسیاری از پدیده های دیگر حالت کالایی تجاری را پیدا کرده و وسیله ای برای کسب مالی بسیاری از افراد شده است.

قاچاق زنان: انجمن روان شناسی آمریکا در سال ۲۰۱۷ گزارش می دهد: علی رغم این که پسران و مردان نیز قربانی قاچاق انسان هستند، اما از هر ۱۰ قربانی قاچاق انسان، ۷ نفر زن و دختر هستند که به دلیل کار و تجارت جنسی قاچاق می شوند. زنان و دختران قاچاق شده با میزان بالایی از خشونت فیزیکی و جنسی، از دست دادن حافظه، بیماری های مقاربتی و آسیب های مغزی مواجه می شوند. مشکلات روانی ناشی از قاچاق عبارتند از اختلالات اضطرابی، اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی و سوء مصرف مواد و ... کشور کاستاریکا به پایتخت روسپی گری در نیمکره غربی جهان معروف است و سالانه حدود ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کودک ۱۲ تا ۱۷ سال در تجارت جنسی کاستاریکا مورد استثمار قرار می گیرند. این افراد معمولاً از خانواده های فقیر نشین هستند و بسیاری از آنها قربانی آزار جسمی یا روحی در خانه شده اند.

آسیب های اجتماعی

خارج شدن زن از جایگاه حقیقی خودف نتایج فلاکت باری از جمله افزایش بیماری های روحی و روانی، خودکشی، تجاوزات جنسی و ... را برای جوامع مختلف به ارمغان آورده است. نمونه هایی از این نتایج اسف بار:

تجاوزات جنسی:

یک سازمان مستقل در ایالات متحده آمریکا اعلام کرده:

- ✓ تقریباً ۳۵ درصد از زنان در سراسر جهان در طول زندگی خود آزار جنسی را تجربه کرده اند.
- ✓ در بیشتر کشورهایی که اطلاعات مربوط به تجاوز جنسی در دسترس است، کمتر از ۴۰ درصد از زنانی که خشونت جنسی را تجربه می کنند به دنبال کمک هستند.
- ✓ از هر ۵ زن در ایالات متحده یکی در طول زندگی خود تجاوز کامل یا اقدام به تجاوز را تجربه کرده است.

- ✓ ۴۰ درصد تجاوزات جنسی در سال ۲۰۱۷ به پلیس گزارش شده، اما در سال ۲۰۱۸ این عدد به ۲۵ درصد کاهش داشته است.
- ✓ تقریباً از هر ۴ زن در مقطع کارشناسی یک نفر در دانشگاه های بزرگ کشور تجاوز جنسی را تجربه کرده است.
- ✓ از ۸۹۰ مورد تجاوز جنسی گزارش شده به پلیس در دانمارک، ۵۳۵ مورد به پیگرد قانونی و تنها ۹۴ مورد به محکومیت منجر شده است. علیرغم تصویری که دانمارک به عنوان یک کشور دارای برابری جنسیتی دارد، واقعیت زندگی زنان با وجود آمار تکان دهنده عدم مجازات خشونت جنسی و قوانین قدیمی در رابطه با مفهوم تجاوز جنسی که مطابق با استانداردهای قوانین بین المللی نیست، کاملاً متفاوت است. حتی سیاسیون هم از تجاوز در امان نیستند.

هزینه اجتماعی و اقتصادی خشونت های جنسی:

مجرمان خشونت های جنسی اغلب قربانیان و بازماندگان این گونه خشونت ها را با انبوهی از دردهای جسمانی و روانی رها می کنند، اما تنها قربانیان خشونت جنسی نیستند که از آن متضرر می شوند، بلکه جامعه هم متحمل هزینه های اقتصادی می شود. سازمان اتحاد ملی ایالات متحده آمریکا در رابطه با هزینه تحمیلی خشونت های جنسی می گوید: افرادی که در دوران نوجوانی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، در آمدشان در بزرگسالی کاهش یافته است. یکی از دلایل کاهش در آمد مادام العمر این افراد مربوط به کاهش تحصیلات است. زنانی که از سوء استفاده جنسی جان سالم به در برده اند، در مقایسه با زنانی که هیچ آزار جنسی را گزارش نکرده اند، سه برابر بیشتر احتمال دارد که دبیرستان را به پایان نرسانند، اما حتی اگر فردی از دبیرستان فارغ التحصیل شود و تحصیلات عالی دریافت کنند، بار مالی بازمانده بودن او همچنان قابل توجه است. براساس گزارش ژورنالیست ریسورس، تجاوز جنسی و اقدام به تجاوز می تواند برای بازماندگان این نوع از خشونت ها بیش از ۱۲۰ هزار دلار در زندگی آنان هزینه داشته باشد.

گسترش مواد مخدر:

موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر در آمریکا گزارش می دهد که در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۶ میلیون زن ۱۸ ساله اعتراف کرده اند که در ۱۲ ماه گذشته از مواد مخدر غیرقانونی استفاده کرده اند. همچنین ماری جوانا ماده مخدر اصلی مورد مصرف زنان ۱۲ تا ۱۷ ساله بوده و بیش از ۶۰ درصد از دختران سوء مصرف این ماده مخدر را گزارش کرده اند.

گسترش مشروبات الکلی:

طبق گزارش مرکز پیشگیری از بیماری های وزارت بهداشت آمریکا، مصرف مشروبات الکلی هر ساله باعث مرگ و میر ۴۳۰۰۰ نفر از زنان و دختران این کشور می شود و خطرات بهداشتی و ایمنی منحصر به فردی را برای آنان به همراه دارد.

افزایش آمار زنان زندانی:

✚ براساس گزارش سال ۲۰۱۹ مرکز تحقیقاتی "پروژه محکومیت" جمعیت زنان زندانی در آمریکا از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۹ هفت برابر شده است.

✚ طبق مطالعات اندیشکده "ابتکار سیاست زندان" آمریکا با ۲/۲ میلیون نفر پشت میله های زندان، زندانبان جهان شناخته می شود.

بیماری های روحی و روانی:

درصد زنان آمریکایی که از داروهای ضدافسردگی استفاده می کنند، بسیار بیشتر از زنان کشورهای دیگر جهان است. روان شناسان یکی از دلایل استفاده زیاد این داروها را نگاه ابزاری جامعه و فشارهای وارد شده به آنها در زندگی می دانند. این نوع افسردگی که از آن به

عنوان "ناراحتی مرسوم" یاد می شود، به دلیل اینکه زنان جامعه احساس می کنند هیچ کس به معنی واقعی، آنها را دوست ندارد و روابط افراد جامعه با آنها تنها بهمنظور سوء استفاده های جنسی و مادی است، اتفاق می افتد.

خودکشی:

آمار خودکشی در غرب و افزایش چند برابری درصد خودکشی زنان در قیاس با مردان، نشان دهنده افزایش بیماری های روحی و روانی ناشی از بحران معنویت در میان زنان در کشورهای غربی است. به گزارش مرکز کنترل بیماری های ایالات متحده آمریکا، نرخ خودکشی در بین زنان آمریکایی در سال ۲۰۱۷ برابر ۶/۱ نفر می باشد که به نسبت دو دهه گذشته بیش از ۱/۵ برابر شده است. این موضوع تنها در ایالات متحده تبدیل به بحران نشده، بلکه بسیاری از کشورهای دیگر جهان از جمله کره جنوبی نیز درگیر این موضوع هستند.

والسلام

مریم کامکاری

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

بهار ۱۴۰۳